



## مبارزات مازندرانی هادر بامداد نهضت امام (ره)

غلامرضا خارکوهی<sup>۱</sup>

### اولین تقابل انقلابی امام بارژیم پهلوی

موضوع لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی نخستین برخورد آشکار امام بارژیم پهلوی و شخص شاه محسوب می‌شود که به دنبال آن حوادث بزرگتری پدید آمد و قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲ و بازداشت و تبعید حضرت امام را در پی داشت.<sup>۲</sup> به موجب این لایحه شرط «مسلمان بودن، سوگند به قرآن کریم و مرد بودن انتخاب‌کنندگان و کاندیداها» تغییر می‌یافت و در ۱۴ مهر ۱۳۴۱ به تصویب کابینه اسدالله علم رسید. آزادی انتخابات زنان پوششی برای مخفی نگه داشتن هدف‌های دیگر بود. حذف و تغییر دو شرط نخست دقیقاً به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهایی در مصادر امور کشور انتخاب شده بود. پشتیبانی شاه از رژیم صهیونیستی نیز در توسعه مناسبات ایران و اسراییل شرط حمایت‌های امریکا از شاه بود. نفوذ پیروان مسلک استعماری بهابیت در قوای سه‌گانه ایران این شرط را تحقق می‌بخشید. امام خمینی به همراه علمای بزرگ قم و تهران به

۱. تاریخ‌نگار انقلاب در استان گلستان

۲. محمدحسن رجبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۲.

در زمان انتشار خبر تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، نقش حضرت امام در روشن ساختن اهداف واقعی رژیم شاه و گوشزد کردن رسالت خطیر علما و حوزه‌های علمیه بسیار مؤثر و کارساز بود. تلگراف‌ها و نامه‌های سرگشاده اعتراض‌آمیز علما به شاه و اسدالله علم موجی از حمایت را در قشرهای مختلف مردم برانگیخت. لحن تلگراف‌های امام خمینی به شاه و نخست‌وزیر تند و هشداردهنده بود

محض انتشار خبر تصویب لایحه مزبور پس از تبادل نظر دست به اعتراضات همه‌جانبه زدند.

نقش حضرت امام در روشن ساختن اهداف واقعی رژیم شاه و گوشزد کردن رسالت خطیر علما و حوزه‌های علمیه در این شرایط بسیار مؤثر و کارساز بود. تلگراف‌ها و نامه‌های سرگشاده اعتراض‌آمیز علما به شاه و اسدالله علم موجی از حمایت را در قشرهای مختلف مردم برانگیخت. لحن تلگراف‌های امام خمینی به شاه و نخست‌وزیر تند و هشداردهنده بود. در یکی از این تلگراف‌ها آمده بود:

اینجانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ و الا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد.<sup>۱</sup>

رژیم شاه ابتدا دست به تهدید و تبلیغات علیه روحانیت زد. اسدالله علم - نخست‌وزیر وقت - در نطق رادیویی خود گفت: «دولت از برنامه اصلاحی که در دست اجرا دارد عقب‌نشینی نمی‌کند!» با وجود این، دامنه قیام رو به فزونی نهاد. در تهران، قم و برخی شهرهای دیگر بازارها تعطیل شد و مردم در مساجد به حمایت از حرکت علما گرد آمدند. یک ماه و نیم پس از آغاز ماجرا، دولت یک گام عقب‌نشست و با ارسال پاسخ مکتوب شاه و نخست‌وزیر در صدد دلجویی علما و توجیه آنها برآمد. رژیم شاه با شناختی که از شخصیت و انعطاف‌ناپذیری امام خمینی داشت، از ارسال پاسخ برای ایشان عمداً خودداری کرد. برخی از علمای حوزه علمیه موضع دولت را قانع‌کننده تشخیص داده و خواستار پایان دادن به قیام بودند؛ اما امام خمینی سرسختانه مخالفت کرد. حضرت امام معتقد بود که دولت می‌بایست رسماً لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را لغو کند و خبر آن را انتشار دهد. ایشان در بیانیه‌ای که در پاسخ به سؤال اصناف و بازاریان قم صادر کرد صریحاً هدف‌های رژیم را از این مصوبه که نفوذ دادن عناصر بهایی و جاسوسان

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۰.

اسراییلی در تشکیلات دولت ایران بود، افشا کرد و با صراحت اعلام داشت: ملت مسلمان تارفع این خطرها نشود، سکوت نمی کند. و اگر کسی سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر مسئول و در این عالم محکوم به زوال است.  
در همین بیانیه، امام خمینی خطاب به دولت هشدار داد و نوشت:  
ملت مسلمان و علمای اسلام زنده و پاینده هستند، و هر دست خیانتکاری که به اساس اسلام و نوامیس مسلمین دراز شود قطع می کنند.<sup>۱</sup>

### مازندران یکی از مناطق مورد توجه امام

حضرت امام برای بیداری و آگاهی همه مناطق کشور برنامه ریزی کرده بودند. لذا یکی از مناطقی که در برنامه ریزی دقیق امام برای مبارزه با حکومت پهلوی گنجانده شده بود مازندران و گیلان واقع در شمال ایران بود که هم از طریق نامه و هم با اعزام سفیرانی، علمای آن مناطق با خواسته های امام آشنا می شدند.<sup>۲</sup> لذا مردم این منطقه در طول سال های مبارزات نهضت امام تلاش زیادی به عمل آوردند. وقتی دولت در قضیه انجمن های ایالتی و ولایتی - مهرماه سال ۱۳۴۱ - به قرآن و مقدسات دینی کشور اهانت کرد علما و بازرگانان و اصناف شهرستان بابل با ارسال تلگراف مشترکی به شخص شاه اعلام کردند: «به پیروی از درخواست آیات عظام و مراجع عالی مقام نجف و قم و خراسان و تهران» خواهان لغو «تصویبنامه های قانون شکن مانند:  
۱. اجازه انتخاب زنان در امور اجتماعی ۲. تبدیل مراسم تحلیف به قرآن کریم به مطلق کتاب آسمانی ۳. و الغای شرط اسلام در اشغال مقامات حساس کشور و امثال اینگونه تغییرات در شئون مادی ملت، که مخالف با احکام دین و مصدحات قوانین می باشد»، هستند.<sup>۳</sup>

سرانجام رژیم شاه تن به شکست داد و رسماً در ۷ آذر سال ۱۳۴۱ هیئت دولت به ریاست آقای علم، مصوبه قبلی را لغو کرد و خبر آن را به علما و مراجع تهران و قم اطلاع داد. امام خمینی در نشست با علمای قم مجدداً بر مواضع خویش پای فشرد و لغو مصوبه در پشت درهای بسته را کافی ندانست و اعلام کرد تا زمانی که لغو آن در رسانه ها پخش نشود، قیام ادامه خواهد داشت. فردای آن روز خبر لغو لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در روزنامه های دولتی منعکس شد و مردم نخستین

۱. حمید انصاری، حدیث بیداری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۴، ص ۴۰-۳۹.

۲. خاطرات سید علی اکبر محشمسی پور، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، ۱۳۷۶، ص ۲۶۳.

۳. اسناد انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۴-۴۳.





به دنبال حمله وحشیانه رژیم به عزاداران سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) در تاریخ ۲/۱/۴۲ و کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از طلاب بی‌گناه در مدرسه فیضیه قم، ساواک تلاش گسترده‌ای را به عمل آورد تا مانع از افشای آن به ویژه از سوی حضرت امام خمینی در میان مردم داخل و خارج ایران شود. با وجود این، عکس‌ها و نوارها و اعلامیه‌های امام به مازندران و سراسر کشور می‌رسید

پیروزی بزرگ خویش را پس از نهضت ملی شدن صنعت نفت جشن گرفتند.<sup>۱</sup> شادمانی این رویداد در شهرها و روستاهای استان مازندران هم انعکاس گسترده‌ای داشت. مخصوصاً روحانیان آگاه ضمن تجلیل از زحمات امام و روحانیت انقلابی، به سرزنش دولت علم و خیانت رژیم پهلوی پرداختند.

علاوه بر این آن روزها ضمن بحث‌های سیاسی درباره لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، رژیم مانور زیادی روی برنامه اصلاحات ارضی - که پیش از این آغاز شده بود - می‌داد. این برنامه نیز

مورد مخالفت روحانیان و مراجع و به تبعیت از آنها مورد انتقاد شدید کشاورزان ایران خاصه دهقانان و زارعان مناطق گیلان و مازندران و گلستان بود. سبب مخالفت‌ها نیز چنین بود که:

۱. قانون اصلاحات ارضی بدون توجه به موازین شرعی تصویب شده است.
۲. موقوفات شرعی که می‌بایست به شکل خاص و برای اهداف مورد نظر بهره‌برداری شود، نادیده گرفته شده است.
۳. املاک شاه و درباریان تقسیم نمی‌شد، زیرا خود آنها مجری طرح بودند.
۴. جایگزین مناسبی برای وضعیت پس از تقسیم اراضی پیش‌بینی نشده است.<sup>۲</sup>

۱. حمید انصاری، همان.

۲. جواد منصوری، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت/سناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۱.



تاریخ آفرین ۱۳۸۱

این کتاب خط و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا

نویسنده

سید علی حسینی

و این بار به انتشار رسیده است.

از این کتاب و خط و نثر و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا  
خط و نثر و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا  
خط و نثر و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا

آنگاه که بر آن پیش برده با نهضت و سرور آشنا تا به آن راه و نورانی  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا

۱) آینه‌ها را آنگاه و آنجا

۲) آینه‌ها را آنگاه و آنجا

۳) آینه‌ها را آنگاه و آنجا

و این بار به انتشار رسیده است.  
خط و نثر و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا  
خط و نثر و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا

آینه‌ها را آنگاه و آنجا  
خط و نثر و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا  
خط و نثر و زینت و نظم و نثر به نثر و زبان علم و معارف  
آینه‌ها را آنگاه و آنجا

پایان ۱۳۸۱

## نخستین تحرکات سیاسی در استان مازندران

در همین راستا برخی از کشاورزان شهرستان‌های بابل و ساری وقتی شنیدند که روحانیت - مخصوصاً حضرت امام که آن موقع به آیت‌الله خمینی معروف بودند - با نحوه غصب و تقسیم غیر شرعی اراضی کشاورزی تحت عنوان اصلاحات ارضی مخالفاند - (به استناد گزارش مورخ ۱۳۴۱/۸/۱۹ ساواک مرکز) آنها به ادارات کشاورزی رفتند و اسناد مالکیت خود را ارایه کردند و گفتند ما مسلمان هستیم و به استناد این دستور مراجع تقلید، ما نمی‌توانیم بدون رضایت مالک در این محل، نماز بخوانیم و استراحت نماییم، و تا رضایت صاحبان آنها جلب نشود ما نمی‌توانیم خود را مالک این اراضی بدانیم.<sup>۱</sup>

بهمن سال ۴۱ نیز که شاه روی برنامه انقلاب سفید - که یک طرح امریکایی بود - مانور می‌داد حضرت امام به مخالفت با آن برخاست و حتی به منظور ترغیب علمای شهرهای مختلف برای موضع‌گیری علیه فرزندوم فرمایشی شاه، روز سه‌شنبه مورخ ۲ بهمن سال ۴۱ تعداد شش نفر از طلاب را به شهرهای بابل و رشت اعزام نمود.<sup>۲</sup> آیت‌الله عباس محفوظی در خاطراتش می‌گوید:

[پس از عقب‌نشینی رژیم در قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی] روزی به اتفاق آقای محمدی گیلانی خدمت امام شرفیاب شدیم. امام مسئولیت توزیع اعلامیه‌ای که علیه فرزندوم داده بودند در دو استان [گیلان و مازندران] به عهده ما گذاشتند. هنگامی که اعلامیه‌ها را به ما می‌دادند فرمودند: «طوری عمل کنید که دستگیر نشوید. خودتان را لو ندهید.» و حتی فرمودند: «اعلامیه‌ها را در میان دو جا کفشی بگذارید و آرام باشید.»

ما هم، چنین کردیم و اعلامیه‌ها را در میان دو جا کفشی گذاشتیم و بستیم. سپس بسته‌ها را زیر بغل گرفته و حرکت کردیم. در چالوس، تنکابن، بندر انزلی و جاهای دیگر خدمت علما رسیده و اعلامیه‌ها را منتشر کردیم.<sup>۳</sup>

حتی برخی از افراد ارتش شاهنشاهی نیز به این گونه اطلاعیه‌ها علاقه‌مند بودند و آنها را در میان نظامیان مورد وثوق توزیع می‌کردند. چنانکه آقای سید مرتضی صالحی

۱. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۱، ص ۹۷.

۲. همان، ص ۱۳۶-۱۳۵.

۳. علی باقری (به کوشش)، خاطرات ۱۵ خرداد، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۳-۳۷۲.

اذعان می‌کند که [در سال‌های ۴۱ و ۴۲] برادرش با آنکه عضو ارتش بوده برای آگاهی خود و دوستانش اعلامیه‌های حضرت امام و دیگر مراجع را از من می‌گرفت و در مأموریت‌هایش به مازندران و دماوند، آنها را پخش می‌کرد؛ به طوری که یکبار از طرف ضد اطلاعات ارتش او را دستگیر کردند و ۳۴-۳۰ روز بازداشت بود.<sup>۱</sup>

این تکاپوهای افشاگرانه ادامه داشت تا آنکه امام و سایر علما عید نوروز سال ۴۲ را به عنوان اعتراض به جفاهای رژیم نسبت به اسلام عید سیاه اعلام کردند. در این میان دوم فروردین ماه سال ۱۳۴۲ ش که مصادف با سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) بود مراسم بزرگی در حوزه علمیه قم برپا شد. رژیم از روز قبل کامیون‌های مملو از سربازان مسلح را به قم آورده بود<sup>۲</sup> و تعداد آنها که بیش از هزار نفر بود<sup>۳</sup> آماده برای سرکوب این مراسم شده بود. سپس مأموران رژیم با حمله به مردم و طلاب، تعداد زیادی را شهید و مجروح نمودند. حجت‌الاسلام عبدالحمید عبدالاحد که خود شاهد صحنه بوده می‌گوید:

من خودم مشاهده می‌کردم که عمامه‌های سیاه و سفید طلبه‌ها را [مأموران] با فندک آتش می‌زدند و مانند توپ آتش گرفته به سمت درختان فیضیه پرت می‌کردند و آنانی که در پشت بام بودند با سرنیزه آجرها را کنده و بر سر طلبه‌ها می‌زدند. طلبه‌ها نیز یا در حجره‌های خودشان پناه برده و در را بر روی دژخیمان بسته بودند و یا اینکه حین درگیری از مدرسه خارج شده بودند... شیخ اسماعیل حبیبی را از طبقه دوم به پایین پرت کردند که چشمان و بدنش به شدت ضربه دید. آقای گلستانی را نیز پرت نمودند و دست و پایش را شکستند. علاوه بر اینها تعدادی نیز مثل مرحوم قریشی در [اثر] ضرب و شتم مأمورین مصدوم شدند.<sup>۵</sup>

پس از این واقعه جوانان انقلابی بر روی دیوارهای مدرسه فیضیه قم نوشتند: «ای دل بیا به کعبه مقصود رو کنیم- از کشته‌گان حوزه جست‌وجو کنیم- فکر ویران شدن خانه صیاد کنید.»<sup>۶</sup>

۱. همان، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۶۶.

۲. غلامرضا خارکوهی، *خاطرات آیت‌الله حبیب‌الله طاهری گرگانی*، تهران، حوزه هنری، ۱۳۸۷، ص ۶۹.

۳. سید حمید روحانی، *نهیضت امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۱، ص ۳۶۷.

۴. همان، ص ۳۶۹.

۵. عبدالوهاب فراتی، *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی از مرجعیت امام خمینی تا تبعید*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۸۲ و ۸۴.

۶. همان (به نقل از خاطرات آیت‌الله صالحی مازندرانی)، ص ۸۷.





این واقعه که پس از دوران سلطنت رضاشاه، تا آن موقع بزرگترین برخورد خشونت‌آمیز با یک اجتماع عمومی - مخصوصاً یک مراسم مذهبی - بود مردم را نسبت به رژیم بدبین‌تر نمود و اسلامیت مورد ادعای شاه را بیش از پیش زیر سؤال برد. امام که علمدار مخالفت با حکومت بود بار دیگر فریاد اعتراض برآورد و «حمله کماندوها و مأمورین انتظامی دولت با لباس مبدل و به معیت و پشتیبانی پاسبان‌ها به مرکز روحانیت» را به تهاجم مغولان تشبیه کرد و شاه‌دوستان را مشتی غارتگر و ضد دین معرفی نمود: «شاه‌دوستی یعنی غارتگری... شاه‌دوستی یعنی ضربه به پیکر قرآن و اسلام... شاه‌دوستی یعنی کوبیدن روحانیت و اضمحلال آثار رسالت.»<sup>۱</sup>

او در قسمت دیگری از این پیام نوشته بود:

من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم. ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جبارهای شما حاضر نخواهم کرد. من به خواست خدا احکام خدا را در هر موقع مناسبی بیان خواهم کرد و تا قلم در دست دارم کارهای مخالف مصالح مملکت را بر ملا می‌کنم.<sup>۱</sup>

خبر این مراسم توسط مازندرانی‌هایی که در قم حضور داشتند به شهرهای مختلف این منطقه رسید و تکاپوهایی نیز صورت گرفت که گزارش برخی از آنها در اسناد ساواک منعکس شده، چنانکه روز چهارشنبه ۲۱ فروردین سال ۴۲ آیت‌الله صبوری و حاجی عادلانی که هر دو اهل و ساکن قائم‌شهر (شاهی) بودند به ملاقات شریعتمداری رفتند و درباره فعالیت علما علیه دولت با او گفت‌وگو کردند.<sup>۲</sup>

آیت‌الله صبوری در این ملاقات گفت: «من تحت تعقیب سازمان امنیتم چون مردم شاهی [قائم‌شهر] را به پشتیبانی از علمای قم دعوت کرده‌ام.»<sup>۳</sup>

باز اندکی بعد قشرها و گروه‌های دیگری از اهالی متدین مناطق مختلف مازندران به شهر قم رفتند و با امام خمینی دیدار و گفت‌وگو کردند که (بر اساس گزارش مورخ ۴۲/۱/۲۷ ساواک و اسناد مورخ ۴۲/۱/۲۸ و ۴۲/۲/۳۰ شهربانی قم خطاب به واحد اطلاعات شهربانی کشور) اسامی آنها عبارت است از: ۱. حسن ملک‌پور (اهل آمل) ۲. اسدالله مقیمی (اهل آمل) ۳. خلیل مرتضوی (اهل آمل) ۴. محمود مهدوی (اهل آمل) ۵.

۱. صحیفه امام، همان، ص ۱۷۸.

۲. رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی، مبدأ نهضت، (مقاله غلامرضا خارکوهی)، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۶۳.

۳. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۲۵۸.



کسانی که وجوهات شرعیه مردم را برای حضرت امام جمع‌آوری و ارسال می‌کردند به شدت مجازات می‌شدند. اما با وجود این امام شبکه وسیعی از نمایندگان و ارادتمندان در نقاط مختلف کشور از جمله استان مازندران داشت که مورد خوشایند رژیم نبود

شیخ عمادالدین کریمی (اهل کجور) ۶. شریف‌نژاد (اهل عزیزآباد بابل) ۷. قربانعلی رزاقی (اهل بابل) ۸. محمدعلی نوریان (اهل شاهی-مقیم کفشگر کلاه از طلاب و روحانیون شمال که گویا مشمول خدمت وظیفه<sup>۱</sup> نیز می‌باشد). ۹. شیخ تقوی بابلی (اهل دیو کلاه) ۱۰. هادی آقا (اهل آمل) ۱۱. حاج عادلانی (اهل شاهی) ۱۲. آیت‌الله صبوری (اهل شاهی) ۱۳. حاجی زاده (اهل آمل).

سپس مقام مسئول ساواک دستور داده که «مقرر فرمایید در محل مراقبت قرار گیرند که ارتباط آنها [با امام خمینی] قطع شود.»<sup>۲</sup>

برخی از این افراد ضمن ملاقات با امام وجوهات شرعیه خود را نیز پرداخت نموده‌اند که طبق گزارش مورخ ۴۲/۲/۳۰ شهربانی، آیت‌الله صبوری و حاج عادلانی مبلغ ۱۰ هزار تومان به آقای شریعتمداری، اسدالله مقیمی و حسن ملکپور و هادی آقا پیشنهاد مسجد جامع و مسجد شاه آمل جمعاً مبلغ پنجاه هزار تومان به امام خمینی، حاج مرتضی مالک اهل مازندران مبلغ ۴ هزار تومان به امام خمینی، حاجی زاده از تجار بازار آمل مبلغ ۴۰ هزار تومان<sup>۳</sup> به امام خمینی پرداخته است.<sup>۴</sup>

## حمایت مالی از برنامه‌های حضرت امام

پرداخت وجوهات شرعی یکی از راه‌های حمایت از نظام روحانیت و حوزه‌های علمیه مذهب تشیع است که قدمت آن به موجودیت این مذهب برمی‌گردد. این موضوع نشان از استقلال روحانیت شیعه دارد و همین امر موجب شده که مراجع و علمای تشیع بدون وابستگی به حکومت‌های جبار به حیات خود ادامه دهند و رسالت دینی و سیاسی خود را در جامعه محقق نمایند. این مسئله به ویژه در ده قرن اول تاریخ اسلام در ایران و در دوران حاکمیت مخالفان اهل بیت (ع) بیشتر حائز اهمیت بود.

۱. یکی از سیاست‌های رژیم شاه برای فرو نشاندن قیام ۱۵ خرداد و مخالفت با حکومت، دستگیری روحانیان مخالف و اعزام به خدمت سربازی و خارج کردن آنها از مسلک روحانیت و حوزه علمیه بود. اما با این اقدام نیز رژیم توفیق چندانی نیافت.

۲. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۲، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸.

۳. احتمال دارد که مبلغ فوق جمع پرداختی ایشان و بیوک زنجانی از تجار زنجان بوده باشد.

۴. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد شهربانی، ج ۱، ص ۷۳-۷۲ و ۹۳-۹۲؛ ضمناً در ادامه همین سند تصریح شده که «همه روزه از چهل تا پنجاه هزار ریال به طور مستمر برای خمینی می‌رسد.»





رژیم پهلوی که به ظاهر خود را تنها پادشاه شیعه جهان در دهه چهل و پنجاه شمسی می‌دانست چون رویه کاملاً ضد اسلامی و ضد شیعی داشت محدودیت‌های فراوانی برای حضرت امام - که یک مرجع و رهبر سیاسی مذهبی مخالف رژیم بود - به وجود می‌آورد. به همین خاطر کسانی که به هر نحوی منتسب به او بودند تحت نظر قرار داشتند. حتی کسانی که وجوهات شرعیه مردم را برای حضرت امام جمع‌آوری و ارسال می‌کردند به شدت مجازات می‌شدند. اما با وجود این امام شبکه وسیعی از نمایندگان و ارادتمندان در نقاط مختلف کشور از جمله استان مازندران داشت که مورد خوشایند رژیم نبود. در این راستا تعدادی از علمای استان مازندران اجازه‌نامه امام در امور حسبیه و شرعیه را اخذ کرده بودند که مضمون همه آنها یکی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلاه على سيدنا محمد و آله الطاهرين، و اللعن على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقه الاسلام آقای حاج شیخ هادی روحانی - دامت افاضاته - از قبَل این جانب مجاز و مأذونند در تصدی امور حسبیه و شرعیه که در عصر غیبت امام - ارواحنا له الفداء - از مختصات فقیه جامع شرایط است «فله التصدی لها مع مراعاة الاحتیاط»؛ و در اخذ و جمع‌آوری سهم مبارک امام - علیه السلام - که نصف آن را در موارد مقرر شرعیه از آن جمله شهریه طلاب مدرسه صدر بابل و احتیاجات آن مدرسه صرف کنند. و نصف دیگر را جهت حفظ حوزه‌های مهمه دینی نزد حقیر ایصال نمایند و قبض رسید جهت رد به صاحبان و جوه دریافت کنند.

«و اوصیه - ایده الله تعالی - بملازمه التقوی و التجنب عن الهوی و التمسک بعروه الاحتیاط فی الدین و الدنیا؛ و ارجو منه الدعاء و النصیحه»؛ و السلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمه الله و برکاته.

به تاریخ ۱۸ شهر جمادی الاولی ۱۳۹۰

روح الله الموسوی الخمينی<sup>۱</sup>

علاوه بر این، ارادتمندان امام با وجود خطرات زیادی که از سوی سازمان‌های امنیتی و وابستگان رژیم پهلوی متوجه آنها بود سؤالاتی نیز درباره مصرف این گونه وجوهات

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۸۴.

به عمل می‌آوردند و به نجف اشرف- در کشور عراق- می‌فرستادند تا پاسخ آن را از امام دریافت نمایند:

بسمه تعالی شأنه...

پس از اهدای سلام و تحیات و افره و تقدیم ادعیه خالصانه عرض می‌شود:

آیا اجازه می‌فرمایید در اداره حوزه علمیه شهرستان بابل به مقدار حاجت و ضرورت از سهم مبارک صرف شود؟  
آیا اجازه می‌فرمایید از سهم مبارک به فقرا و خیر سادات به مقدار ضرورت دستگیری شود؟

آیا اجازه می‌فرمایید که از سهم مبارک به وضع زندگی بعضی اهل علم شهر که محتاج باشند رسیدگی شود؟

آیا اجازه هست که از سهم مبارک، به بعضی از جدیدالاستبصارهای از فرقه ضاله بهاییه<sup>۱</sup> به عنوان تشویق یا برای رفع احتیاج کمک شود؟  
آیا اجازه هست که در موارد ضرورت برای قاصرین، از اشخاص ذی صلاحیت نصب قیم نمایم؟

برای کارمند دولت آیا اجازه می‌فرمایید از بابت حقوق استحقاقی از مال مجهول المالک دریافت کند؟

داعی کم

خادم الشریعه: هادی روحانی

بسمه تعالی

تمام مراتب مسطوره را مجازید. لکن نصف از سهم مبارک را برای ادامه حوزه مبارک نجف بفرستید.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی<sup>۲</sup>

البته در این میان متأسفانه برخی از روشنفکران، دانشگاہیان، بازاریان، فرهنگیان و حتی روحانیان یا سکوت کردند و یا مؤید و مروج افکار شاهنشاهی بودند. برخی هم در آن ایام- به زعم ساواک- مبارزه منفی با حکومت داشتند. اما تعدادی از روحانیان

۱. کسانی که تازه از فرقه ضاله بهائیت جدا شده و مسلمان شده بودند.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۹۲.





استوار با نهضت امام همراه بودند. چنانکه آقای وثوقی رئیس ساواک مازندران در تاریخ ۴۲/۳/۹ طی نامه‌ای به رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور نوشت:

به طور کلی تاکنون مشاهده نشده است هیچ یک از روحانیون این استان مخالفتی با دربار شاهنشاهی داشته باشند. فقط از چهار نفر روحانیون به نام آقایان:

۱. حاج سید رضا سعادت فرزند مرحوم سید ابوالقاسم، شغل امام جماعت، ساکن ساری
۲. حاج شیخ مصطفی صدوقی فرزند مرتضی، شغل امام جماعت، ساکن ساری

۳. آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی، ساکن کوهستان از توابع بهشهر

۴. حاج شیخ محمد شاهرودی، شغل امام جماعت، ساکن بهشهر  
که در میان مردم نفوذ قابل ملاحظه‌ای دارند، می‌توان به عنوان مخالفین پست فعلی نام برد. ولی مخالفت نامبردگان هم اغلب به صورت اعمال منفی انجام می‌گیرد و گاهی نیز از حوزه‌های علمیه تهران قم و مشهد از روحانیون مخالف به این استان اعزام می‌شوند که خوشبختانه فوراً توسط مأمورین ویژه شناخته شده و از اعمال آنان جلوگیری... گردیده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر فعالیت‌های پنهانی و آشکار سیاسی و تبلیغاتی و جلسات سیاسی و دیدارهای مازندرانی‌ها با امام، در شهرهای مختلف اطلاعیه‌های امام نیز در این باره توزیع می‌شد به طوری که برای مسئولان خود رژیم جای تعجب داشت که چرا حتی این اطلاعیه‌ها به برخی از ادارات دولتی استان هم رسوخ کرده است:

۴۲/۲/۲ شماره ۵۹۸/ب/۳

گیرنده: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور - مدیریت کل اداره سوم

فرستنده: ساواک استان دوم<sup>۲</sup> ساری

ساعت ۱۲۳۰ روز یکم اردیبهشت مأمور ویژه گزارش داد که روی میز تحریر آقای رزازی رئیس فرهنگ شاهی یک برگ از اعلامیه‌های مضره

۱. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. در آن سال‌ها در فهرست رسمی استان‌های کشور، مازندران که شامل استان گلستان فعلی نیز بود، به عنوان استان دوم شناخته می‌شد.

مشاهده نموده، لذا فوراً مراتب به مدیر کل فرهنگ استان [مازندران] ابلاغ و به آقای کبیری معاون فرهنگ مأموریت داده شد که فوراً به محل عظیمت [عزیمت] و چگونگی را تحقیق نماید. آقای کبیری ساعت ۱۳ به شاهی [قائم شهر] رفته و یک برگ اعلامیه پیوست را از رئیس فرهنگ می گیرد و به طوری که اظهار می نمودند به وسیله پست برای ایشان ارسال شده است. ولی به طوری که از پاکت معلوم می شود این نامه پست شهری می باشد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم - موثقی  
[دستور مقام مسئول ساواک:] در پرونده آیت الله خمینی بایگانی  
شود - شهبابی<sup>۱</sup>

### تکاپوهای محرم بستر ساز قیام ۱۵ خرداد

به دنبال حمله وحشیانه رژیم به عزاداران سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) در تاریخ ۴۲/۱/۲ و کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از طلاب بی گناه در مدرسه فیضیه قم، ساواک تلاش گسترده‌ای را به عمل آورد تا مانع از افشای آن به ویژه از سوی حضرت امام خمینی در میان مردم داخل و خارج ایران شود. با وجود این، عکس‌ها و نوارها و اعلامیه‌های امام به مازندران و سراسر کشور می رسید. به همین علت سازمان اطلاعات و امنیت کشور طی دستور العمل محرمانه‌ای که در تاریخ ۱۳۴۲/۲/۹ برای ساواک ساری ارسال کرد، نوشت:

در بین افراد بازاری و هیئت مذهبی، گفته می شود اعلامیه ۸ صفحه‌ای

۱. حضرت امام به مناسبت آغاز ماه محرم طی اطلاعیه‌ای در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲/۲۴ ذی الحجه ۱۳۸۲ از روحانیون و وعاظ و ملت مسلمان ایران خواست که به افشای جنایت‌ها و خیانت‌های رژیم شاه در این ایام بپردازند: ... در این ایام که دستگاه جبار از خوف آنکه مبادا در منابر و مجامع مسلمین شرح مظالم و اعمال خلاف انسانی و ضد دینی و وطنی آنها داده شود دست به رسوایی دیگری زده و در صدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغین محترم و سران هیئت عزادار است که از مظالم دم نزنند و دستگاه جبار را به خودسری واگذارند، لازم است تذکر دهم که این التزامات علاوه بر آنکه ارزش قانونی نداشته و مخالفت با آن هیچ اثری ندارد، التزام گیرندگان مجرم و قابل تعقیب هستند... آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی امیه نیست. دستگاه جبار با تمام قوا به اسرائیل و عمال آنها (فرقه ضال و مضله) همراهی می کند. دستگاه تبلیغات را به دست آنها سپرده، و در دربار دست آنها باز است. در ارتش و فرهنگ و سایر وزارتخانه‌ها برای آنها جا باز نموده و شغل‌های حساس به آنها داده‌اند. خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. در نوحه‌های سینه‌زنی از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت یاد آور شوید... سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است. صحیفه/امام، ج ۱، ص ۲۳۰.





و چهل ماده‌ای آیت‌الله خمینی هنوز چاپ نشده و قرار است روز عید قربان همزمان با انتشار این اعلامیه به زبان عربی در مکه، که توسط زوار حج برده شده، از طرف هیئت‌های مذهبی و طرفداران روحانیون و یا شهرستان‌ها به زبان فارسی چاپ و منتشر شود. ضمناً از طرف هیئت‌های مذهبی و افراد بازاری مقداری اعلامیه‌های آیت‌الله سید صادق روحانی در تهران چاپ و به شهرستان‌ها ارسال شده و آقای صادقی که یکی از زوار کاروان حج است مقدار چهار هزار نسخه از این اعلامیه را همراه خود به مکه برده تا در آنجا پخش نماید. کلیه ساواک‌های خارج از مرکز و ساواک تهران جهت اطلاع و تحقیق و اعلام چگونگی.

سرلشکر پاکروان رئیس ساواک کشور باز در بخشنامه دیگری به شماره ۲۵۰۷ مورخ ۴۲/۲/۲۸ خطاب به ساواک مازندران نوشت:

نظر به اینکه از طرف خمینی به تمام طلاب و وعاظی که برای محرم از قم به شهرستان‌ها حرکت می‌نمایند دستور شدید برای تبلیغ و تحریک داده شده است<sup>۱</sup> لازم است که در شهرها و قرا مراقبت کامل بشود و عنداللزوم عناصر محرک را که شناخته شده‌اند دستگیر نمایند و از پخش هر گونه اعلامیه و عکس خمینی جداً خودداری شود. ضمناً باید مراقبت نمود که اگر علاوه بر سایر اشخاص کسان دیگری دست در کار تحریک شوند از اقدامات آنها ممانعت به عمل آمده و در صورت لزوم دستگیر شوند. نتیجه اقدامات معموله را هر روز گزارش دهید.<sup>۲</sup>

واهمه رژیم از این موضوع آن قدر زیاد بود که آنها حتی علاوه بر ساواک و شهربانی و ژاندارمری، پای استانداران و فرمانداران و رؤسای ادارات کشاورزی و اصلاحات ارضی و فرهنگ را نیز به میان کشیدند تا مانع ابراز مخالفت مردم با حکومت پهلوی گردند. چنانکه آقای دکتر سید مهدی پیراسته - وزیر کشور - با صدور بخشنامه‌ای در اول خرداد سال ۴۲ خطاب به استاندار مازندران نوشت:

به قرار اطلاع در ایام محرم عده‌ای در صددند که با استفاده از تجمع‌هایی که برای تعزیه‌داری و تعظیم شعائر اسلامی از طرف مردم

۱. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۵۹.

۲. همان، ص ۳۵۹.

در شهرها و دهات به وجود می‌آید تبلیغات سوء برای گمراه کردن افراد بی‌اطلاع در موضوع اصلاحات اساسی [انقلاب سفید] که در کشور در شئون مختلف و مخصوصاً اصلاحات ارضی شروع شده است، بنمایند. بنابراین در کمیسیونی مرکب از رئیس ساواک، رئیس ژاندارمری، رئیس شهربانی، رئیس فرهنگ، رئیس کشاورزی و رئیس اصلاحات ارضی مقرر فرمایید موضوع را مورد بررسی دقیق قرار دهند، زیر نظر شخص جناب عالی، نتیجه را اعلام نمایند و تعلیمات لازم را به شهرستان‌ها صادر فرمایید.<sup>۱</sup>

از طرف دیگر نفوذ معنوی و کلامی حضرت امام موجب وحشت فوق‌العاده رژیم شده بود، لذا مدام بخشنامه‌های گوناگون برای پیشگیری و مقابله با تحریکات احتمالی صادر می‌کردند، که در اینجا به دو نمونه از دستورالعمل‌های سرلشکر پاکروان - رئیس وقت سازمان اطلاعات و امنیت کشور - که در تاریخ‌های هشتم و یازدهم خرداد سال ۴۲ به ساواک‌های مازندران ارسال شده ارایه می‌شود:

۱. «اطلاعات واصله حاکیست که روحانیون در نظر دارند، از روز هفتم محرم در مجالس سوگواری دست به تحریکات و تظاهرات بزنند. دستور فرمایید در آن ایام مراقبت بیشتر به عمل آید.»<sup>۲</sup>
۲. «دستور فرمایید در روزهای تاسوعا و عاشورا ضمن آمادگی کامل برای مقابله با هرگونه اتفاقات و حوادث احتمالی حتی الامکان در این دو روز از اصطکاک مأمورین با عزاداران و روحانیون خودداری و اگر در مجالس و منابر افرادی مبادرت به تندروی کردند در خارج از مجلس به وسیله مقامات شدیداً با تذکر و عواقب وخیم به آنان یادآوری گردد. ضمناً اسامی و مشخصات این قبیل عناصر تهیه، که پس از برگزاری ایام عزاداری تصمیم لازم درباره آنان اتخاذ شود. نظر به این که عده‌ای عناصر آشوب طلب برای رسیدن به مقاصد خود مترصد به دست آوردن بهانه در روزهای تاسوعا و عاشورا می‌باشند، روی این اصل اقدام سازمان‌های انتظامی و امنیتی در روزهای مزبور کاملاً بررسی شده و با دقت و تدبیر انجام گیرد که بهانه به دست عناصر مترصد جهت بهره‌برداری ندهد. از

۱. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. همان، ص ۳۲۸.



طرف شهربانی کل نیز در این مورد ابلاغ لازم به شهربانی‌ها داده شده است.<sup>۱</sup>

اما محرم سال ۴۲ شهر قم با حضور امام خمینی - رهبر نهضت اسلامی - بیش از هر جای دیگر رنگ و بوی حسینی داشت. امام خمینی عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ هجری قمری (۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ش) در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد. بخش عمده‌ای از سخنان امام در بیان نتایج زیان‌بار سلطنت دودمان پهلوی و افشای روابط پنهانی شاه و اسراییل اختصاص داشت. در همین سخنرانی بود که امام خمینی با صدای بلند خطاب به شاه فرمود:

... آقا! من به شما نصیحت می‌کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم دست بردار از این کارها، آقا! اغفال می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند... اگر دیکته می‌دهند دستت و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن... نصیحت مرا بشنو... ربط ما بین شاه و اسراییل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسراییل حرف نزنید، از شاه هم حرف نزنید، این دو تا تناسبشان چیست؟ مگر شاه اسراییلی است؟<sup>۲</sup>

سخنان امام خمینی همچون پتکی بر روح و روان شاه فرود آمد. به همین سبب شاه با جنون قدرت و تکبر فرعون‌ی خود، فرمان خاموش کردن صدای امام را صادر کرد. نخست جمع زیادی از یاران امام خمینی در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر و ساعت سه بعد از نیمه‌شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲) صدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت امام را در قم محاصره کردند و ایشان را که تازه برای نماز شب بیدار شده بود دستگیر نمودند و سراسیمه به تهران برده و در باشگاه افسران زندانی و غروب روز ۱۵ خرداد سال ۴۲ به پادگان قصر (بیسیم) منتقل نمودند.<sup>۳</sup> خبر دستگیری امام به سرعت در شهر قم و مناطق اطراف پیچید. زن و مرد از روستاها و منازل خویش در شهر به سوی منزل قائد خود حرکت کردند. شعار اصلی جمعیت «یا مرگ یا خمینی» بود که از تمام فضای قم به گوش می‌رسید. خشم مردم آنچنان بود که ابتدا مأمورین پلیس پا به فرار گذاشتند. آنها پس از تجهیز قوا به میدان آمدند. نیروهای کمکی نظامی نیز از پادگان‌های اطراف به شهر قم گسیل شدند. هنگامی که سیل جمعیت از حرم حضرت معصومه بیرون آمدند

۱. همان، ص ۳۴۱.

۲. صحیفه امام، همان، ص ۲۴۸-۲۴۵.

۳. سید حمید روحانی، همان، ص ۵۱۱ و ۵۱۳.



رژیم شاه ابتدا دست به تهدید و تبلیغات علیه روحانیت زد. اسدالله علم - نخست وزیر وقت - در نطق رادیویی خود گفت: «دولت از برنامه اصلاحی که در دست اجرا دارد عقب نشینی نمی کند!» با وجود این، دامنه قیام رو به فزونی نهاد

رگبار مسلسل‌ها گشوده شد و تا ساعاتی درگیری شدید ادامه داشت. حمام خون به راه افتاده بود. هواپیماهای نظامی از تهران به پرواز درآمدند و در فضای شهر قم برای ایجاد رعب بیشتر دیوار صوتی را شکستند. قیام ۱۵ خرداد با سرکوبی شدید کنترل شد. کامیون‌های نظامی، اجساد شهدا و مجروحین را به سرعت از خیابان‌ها و کوچه‌ها به نقاط نامعلومی بردند. غروب آن روز شهر قم حالتی جنگ‌زده و غمگینانه داشت.<sup>۱</sup> فردای آن روز کمیته اطلاعاتی استان مازندران به درخواست ساواک تشکیل و

تصمیماتی برای کنترل اوضاع و سرکوب مخالفان رژیم اتخاذ شد.<sup>۲</sup>

اما فقط قم عزادار این رویداد تلخ نبود بلکه مازندران نیز سوگوار شد و مردم با شنیدن خبر دستگیری امام و مقتدایشان - خمینی کبیر - و نیز کشتار بی‌رحمانه ۱۵ خرداد توسط مأموران خونخوار پهلوی به اعجاب و ماتم فرو رفتند. بنابر گزارش ساواک، اهالی بابل بر آن شدند که به عنوان اعتراض به دستگیری امام بازار را تعطیل کنند، لیکن مقامات دولتی محل با احضار برخی از کسبه و با تهدید و ارباب، آنان را از تعطیل کردن بازار و دست زدن به اعتصاب بازداشتند.<sup>۳</sup> ساواک ساری - مرکز مازندران - چنین گزارش داد:

شب گذشته اطلاع رسید که عده‌ای از اهالی بابل با چند نفر از اهالی آمل تماس گرفته و درصدد تعطیل بازار هر دو شهرستان می‌باشند. مراتب به شهربانی آمل ابلاغ و در مورد احضار و بازجویی آقای پرویز نصری، ساکن آمل که محرک اصلی می‌باشد اقدام گردید. مراتب راروز جاری در کمیته اطلاعاتی نیز مطرح خواهیم نمود.

۳۱۲ - ۴۲/۳/۲۰ موثقی

[رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان مازندران]<sup>۴</sup>

اهالی بهشهر نیز بر آن بودند روز ۱۸ خرداد ۴۲ را به عنوان همدردی با امام و مردم شهیدداده و عزادار تهران و قم، عزای عمومی اعلام کنند و به تعطیل کردن دکان‌ها و

۱. حمید انصاری، همان، ص ۵۴-۵۲.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور، ساواک ساری به تهران، ۱۳۴۲/۳/۱۶، گزارش شماره ۳۲۰۳.

۳. رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی، همان، ص ۴۷۲-۴۷۰.

۴. سید حمید روحانی، همان، ص ۵۷۴؛ و آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور.





مغازه‌ها دست بزنند که با تهدید و ارباب ساواک ساری رو به رو شدند. ساواک ساری چنین گزارش داده است:

طبق اطلاع رسیده تعدادی از مغازه‌داران بهشهر می‌خواهند فردا به عنوان همدردی تعطیل نمایند. پس از مذاکراتی که با آقای استاندار و تیمسار سرپرست شهربانی و فرماندار بهشهر به عمل آمد، قرار شد شهردار بهشهر و رئیس انجمن شهر که با آیت‌الله شاهرودی و کوهستانی ارتباط دارند، نزد مشارالیه‌م رفته و تذکرات لازم بدهند و ژاندارمری نیز اشخاصی را که به دیدن کوهستانی می‌روند تحت مراقبت قرار دهد و به مغازه‌داران نیز گوشزد شود در صورتی که تعطیل نمایند زندانی و شدیداً تنبیه خواهند شد.

۲۹۹-۴۲/۳/۱۷ - موثقی<sup>۱</sup>

روحانیان ساری نیز با مخابره تلگرافی به تهران پشتیبانی خود را از امام و دیگر علمای بازداشت‌شده اعلام و از ستمگری‌ها و کشتار ۱۵ خرداد اظهار تنفر و انزجار کردند:

تهران - حسن آباد - مسجد مجد - ۴۲/۵/۵

حضرت حجه الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای آملی دامت برکات‌ها چون تاکنون توفیق عزیمت دعاگویان به تهران برای ابراز همدردی و همکاری حضوری حاصل نشده بود، اینک ضمن اظهار تأسف و انزجار از مظالم و مصائب وارد بر جامعه مسلمین خصوصاً بر آیات عظام حضرات آیت‌الله آقای خمینی و آقای قمی و آقای محلاتی - دامت برکات‌هم - و مبلغین گرام، موافقت و پشتیبانی کامل خودمان را از منویات مقدسه قاطبه آیات عظام و مراجع مسلمین، که برای حفظ قوانین مقدسه اسلام در تهران شرف حضور دارند، اعلام می‌داریم.

الاحقر حاج سید رضا سعادت - الاحقر مرتضی امامی تلارمی - الحاج عظیمی - الاحقر حاج شیخ محمدتقی نظری - الاحقر حاج سید محسن پیشنمازی

مازندران - ساری

ششم / ربیع‌الاول / ۱۳۸۳<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۹۰.

تاریخ: ۱۳۵۳/۹/۵

سر تلگرام جمعی از روحانیان شهرستان ساری به آیت‌الله آملی دربارۀ  
بازداشت امام و جمعی از علما

تقدیراً - حسن آباد - مسجد مجید

شیرین حجّه الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای آملی دامت برکاته

چون تاکنون توفیق مزیت دعا گویمان به تهران برای تبرک هم‌دردی و هندکاری  
صورتی حاصل نشده بود. اینک ضمن اظهار تأسّف و انزعاج از مقام و معتاد وارد  
بر جامعه مسلمین خصوصاً بر آیات عظام حضرات آیت‌الله آقای خامنه‌ای و آقای غمی  
و آقای معلائی دامت برکاتهم و مبلغین گرام، موافقت و پشتیبانی کامل خودشان را از  
فتوای مقدسه فاطمه آیات عظام و مراجع مسلمین، که برای حفظ قوانین مقدسه اسلام  
و تقدیر شریف حضور دارند، اعلام می‌داریم.

الاحقر حاج سیدرضا سعادت - الاحقر مرتضی امامی تلازمی - الحاج عظمی - الاحقر  
حاج شیخ محمدعلی نظری - الاحقر حاج سیدمحسن پشماری

مازندران - ساری

ششم/اربع‌الاول/۱۳۸۳





### تلگرامات وارده

- ۱- از ساری
- ۲- به تهران
- ۳- تاریخ ۱۶/۳/۲۲
- ۴- در ۲۲
- ۵- کنفیشت، وسط ۲۰
- ۶- ونیک‌نمار، شعبه ۲۴۵
- ۷- تقدیم
- ۸- قسمت اعلام کننده از «ره‌نگار سوم»
- ۹- بران اطلاع ندارد.

شماره برون ۲۸۸ - ۱۵/۳/۲۲

گزارش‌های بودایی تیمار معظم بسیار حسن ارزیابی شده و در صورت  
 مصلحت اجازه نریزید مبنی در مرکز استان تشکیل نسبت به احوال  
 حاکمین شدید. ابرار تفریح و تعطیلاته متفق و همچنان از سایر  
 شهرستانها در این مورد تلگرافی به پیشگاه شاهانه محابره کرد.  
 در خانه به‌طور موصوفه شب گذشته در کمال نظم و آرامش مسراوم  
 فرازی انجام با امنیت کامل در استان دوم برقرار میباشند.

۲۹۱ - ۱۶/۳/۲۲ بوقلم



۲۰

تقدیم به سر

لیست در پیوسته  
 برای اطلاع  
 در کمال احترام  
 و با نهایت احترام  
 و با نهایت احترام  
 و با نهایت احترام

## برنامه‌های نمایشی و فرمایشی دولت

مسئولان سیاسی - امنیتی رژیم که از مخالفت‌های مردمی به شدت در هراس بودند موازی با اقدامات نظامی خود علیه مبارزان، دست به برنامه‌های نمایشی نیز در برخی از نقاط استان مازندران زدند تا بگویند که مردم با قیام ۱۵ خرداد مخالف‌اند و حامی سیاست‌های شاه و انقلاب سفیدش می‌باشند. به این منظور رئیس ساواک استان مازندران طی نامه‌ای خیلی فوری در تاریخ ۴۲/۳/۱۶ موضوع راز ساواک مرکز استعلام کرد:

کنفرانس مطبوعاتی تیمسار معظم بسیار اثر بخشیده، در صورت مصلحت اجازه فرمایند متینگی در مرکز استان تشکیل، نسبت به اعمال خائنین شدیداً ابراز تنفر نموده، قطعنامه متینگی، و همچنین از سایر شهرستان‌ها در این مورد تلگرافی به پیشگاه شاهانه مخابره گردد. در خاتمه به عرض می‌رساند شب گذشته در کمال نظم و آرامش مراسم عزاداری انجام و امنیت کامل در استان دوم برقرار می‌باشد.<sup>۱</sup> اما دستور مقام بلند پایه ساواک عمق کینه خشونت‌بار مسئولان امنیتی رژیم را به خوبی آشکار می‌کند. چرا که در زیر نامه فوق رئیس ساواک کشور نوشت:

مقابله با مردم بسیار فکر خوبی است. برنامه پیشنهاد نمایید تا بررسی شود. تلگرافات با امضای اشخاص سرشناس کارگران، بسیار مؤثر خواهد بود.

سپس در تاریخ ۴۲/۳/۱۹، ساواک مرکز ضمن اعلام موافقت با متینگی فوق دستور داد: نطق‌ها و ابراز احساسات مردم را در نوار ضبط، و از مراسم عکس‌های جالبی تهیه [کنید] و ضمن پخش و انتشار در محل، جهت انعکاس در رادیو و مطبوعات [سراسری]، نسخ و نمونه‌هایی از عکس‌ها و نوارهای تهیه شده را به تهران ارسال دارند.<sup>۲</sup>

در این راستا جلسه کمیته اطلاعاتی استان با شرکت سرتیپ ساجدی سرپرست شهربانی، سرتیپ جاهد فرمانده تیپ ۳ رضاپور، سرهنگ موثقی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان مازندران، سرهنگ منوچهری معاون ژاندارمری ناحیه شمال، و سرهنگ ۲ عباسی دبیر کمیته اطلاعاتی - در دفتر ساواک ساری - تشکیل

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور.

۲. همان.



مردم با شنیدن خبر دستگیری امام و مقتدایشان - خمینی کبیر - و نیز کشتار بی رحمانه ۱۵ خرداد توسط مأموران خونخوار پهلوی به اعجاب و ماتم فرو رفتند. بنا بر گزارش ساواک، اهالی بابل بر آن شدند که به عنوان اعتراض به دستگیری امام بازار را تعطیل کنند، لیکن مقامات دولتی محل با احضار برخی از کسبه و با تهدید و ارباب، آنان را از تعطیل کردن بازار و دست زدن به اعتصاب بازداشتند

شد و مقرر گردید که صبح روز سه‌شنبه مورخ ۲۱ خرداد سال ۴۲ متبکی در میدان رضاشاه ساری تشکیل شود. هدف آنها از این اقدام اعلام پشتیبانی از لویح ششگانه انقلاب سفید شاه و محکوم نمودن قیام پانزده خرداد قم،<sup>۱</sup> سرکوب مخالفین رژیم و اثبات نوکری شاهنشاه بود. لذا تلاش زیادی از طریق استانداران و فرمانداران و بخشداران و شهرداران و رؤسای ادارات و اصناف و کسبه در شهرها و روستاها برای برگزاری آن به عمل آوردند. آنها به منظور جلب نظر روستاییان ماشین‌های بلندگودار به آنجاها فرستادند تا در خیابان‌های روستاها تبلیغات نمایند. ضمن آن «توسط مأمورین ویژه این ساواک در دهات و شهرها اقدامات لازم» را هم به عمل آوردند.<sup>۲</sup>

در این میان جاسوسان ساواک مطلع می‌شوند که فردی به نام سید حسن قلعه‌بندی به عنوان یکی از منتقدان دولت اخیراً از تهران به مازندران آمده و با آیت‌الله کوهستانی و آیت‌الله شاهرودی و بازاری‌های بهشهر تماس گرفته است. رژیم که نگران از تعامل روحانیان - به خصوص ارتباط مخالفان با دیگران - بود موضوع را در کمیته اطلاعاتی استان مطرح نمودند. در نتیجه مقرر شد که محرمانه و از طریق استاندار و تیمسار سرپرست شهربانی استان به آیت‌الله شاهرودی تذکر دهند. ولی چون احتمال می‌دادند که ممکن است وی حاضر به ملاقات آنها نباشد لذا آیت‌الله شاهرودی را ساعت شش عصر روز شنبه ۴۲/۳/۱۸ به منزل سرهنگ موثقی رئیس ساواک دعوت نمودند. او از بهشهر به ساری آمد و در آنجا رئیس ساواک تذکرات لازم را به او داد که در امور سیاسی بر ضد رژیم دخالت نکند و «گفتار و کردار خلاف نداشته باشد».<sup>۳</sup> این ملاقات و گفت‌وگو دو ساعت (تا ساعت ۸ عصر) به طول انجامید. علاوه بر این آقای سید حسن قلعه‌بندی نیز در موعد و مکان دیگری توسط ساواک احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت. از آنجا که مرحوم آیت‌الله کوهستانی نیز یکی از مخالفان رژیم و حامیان قیام ۱۵ خرداد

۱. همان، نامه مورخ ۴۲/۳/۲۴ ساواک تهران به شاه.

۲. همان، نامه شماره ۳۲۷۱ مورخ ۴۲/۳/۱۸ ساواک ساری به مرکز.

۳. همان، اخذ از نامه شماره ۳۳۴۳ مورخ ۴۲/۳/۱۹ ساواک ساری به تهران.

بود، شب قبل از آن نیز (یعنی ۴۲/۳/۱۷) چند نفر از مقامات سیاسی و امنیتی استان شامل معاون شهربانی مازندران، فرماندار و شهردار بهشهر، به اضافه چند نفر از بازاری‌های بهشهر آقایان: غلامرضا امیدی، حسن امیدی و حاج ابوالحسن امیدی به دیدار آیت‌الله کوهستانی رفتند و به او تذکر دادند که اظهار همدردی او با زندانیان سیاسی مخالف رژیم و تقاضای آزادی آنها، عواقب وخیمی برای او دارد.<sup>۱</sup>

در کنار این اقدامات امنیتی پیشگیرانه، مسئولان ستاد برگزاری متینگ هم شب و روز تلاش می‌کردند تا این مراسم صوری را به دلخواه مقامات حکومتی برگزار نمایند. «آگهی متینگ برای روز سه‌شنبه چاپ، پیش‌بینی‌های لازم را از هر حیث به عمل آمده [آورده] ترتیب شرکت کارگران و دهقانان و طبقات مختلف داده شده»<sup>۲</sup> است:

ساعت ۸ صبح روز ۴۲/۳/۲۱ [متینگ] در میدان رضاشاه کبیر تشکیل و دستجات مختلف که از خارج (بهشهر - شاهی - بخش‌های اطراف) به ساری وارد [یعنی آورده] می‌شدند، با کمال آرامش و دادن شعارهای میهنی، به حالت دمونتراسیون در خیابان‌های شهر حرکت کرده و از ساعت ۹ مراسم آغاز و در ساعت ۱۱ [صبح] خاتمه و قطعنامه متینگ قرائت، و پیشگاه اعلی حضرت همایون شاهنشاه مخابره گردیده است. فعالیت مأموران انتظامی و سازمان اطلاعات و امنیت در برگزاری متینگ قابل تقدیر می‌باشد.<sup>۳</sup>

در این مراسم نمایشی افراد مختلف شاه‌دوست از برخی شهرستان‌های مازندران نقش محوری داشتند و افراد متعددی نیز با نطق‌هایی که از قبل به دستشان داده بودند به سخنرانی پرداختند و از شاه و حکومت پهلوی تجلیل نمودند. به عنوان مثال در یکی از اسناد ساواک (تاریخ ۴۲/۳/۲۱) صراحتاً خاطر نشان شده که متن سخنرانی آقای حبیبی - قهرمان کشتی کشور - را سرهنگ موثقی رئیس ساواک ساری نوشته و به او دستور داده که آن را در این متینگ قرائت نماید:

آقای امام علی حبیبی - قهرمان کشتی به پیشنهاد اینجانب در متینگ سخنرانی نمود و سخنرانی ایشان را فدوی تهیه و عین آن را قرائت نمود.<sup>۴</sup>

۱. رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی، همان، ص ۴۷۷-۴۷۶.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور، اخذ از نامه شماره ۳۳۴۸، مورخ ۴۲/۳/۱۹ ساواک ساری به ساواک مرکز.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور.

۴. همان.



در این متینگ افرادی را به عنوان نماینده قشری از قشرهای مازندران معرفی کردند در حالی که هیچ کدام از آنها مورد تأیید و نماینده واقعی قشرهای جامعه نبودند:

۱. آقای سید صادق خاوری شهردار ساری
۲. آقای اسکندری نماینده کارگران شاهی [قائم شهر]
۳. آقای نوایی نماینده کارگران چیت‌سازی بهشهر و نماینده ورزشکاران
۴. آقای منتظری نماینده کارگران شاهی [قائم شهر]
۵. آقای حبیب‌الله رمدانی رئیس اردوی کار ساری
۶. آقای اصغری نماینده دهقانان قاجار خیل و دازمیرکنده
۷. آقای رشتی ساروی نماینده فرهنگیان ساری
۸. آقای فروتن نماینده دهقانان
۹. آقای باقری نماینده دهقانان قریه امره
۱۰. آقای حسینی نماینده دهقانان سمرکنده
۱۱. آقای اتحاد نماینده دهقانان صنف قصاب و کشتارگاه ساری
۱۲. آقای اسکندری نماینده دهقانان قریه اسکندری
۱۳. آقای پاکزاد نماینده چیت‌سازی بهشهر
۱۴. آقای مدانلو نماینده کنگره دهقانان مازندران
۱۵. آقای حبیبی قهرمان کشتی کشور
۱۶. آقای شیخ نصرالله خلیلی واعظ و نماینده روحانیون ساری<sup>۱</sup>

در پایان این متینگ مصنوعی و نمایشی آقای سید صادق خاوری شهردار ساری به قرائت قطعنامه‌ای که از قبل توسط ساواک و استاندار تأیید شده بود پرداخت که طی آن، قیام مخالفان رژیم را محکوم نمودند. (این برنامه مشابه برنامه‌های چماقداران شاه‌دوست در آخرین روزهای حکومت پهلوی بود که با برنامه‌ریزی و حمایت کامل استانداران و فرمانداران و ساواک و ژاندارمری و شهربانی و نیروی پایداری و سایر سازمان‌ها و عوامل رژیم در استان مازندران و مناطق دیگر کشور انجام می‌شد.)

سپس متن قطعنامه شاه‌دوست‌های شرکت‌کننده در این متینگ با امضای آقای خاوری شهردار ساری برای شاه تلگراف شد و نوارها و فیلم‌ها و عکس‌های مراسم هم به رادیو تحویل گردید و ریاست ساواک ساری از ساواک تهران خواست:

مقرر فرمایید اداره رادیو به منظور تجلیل از شاه‌دوستان و



اهالی بهشهر نیز بر آن بودند روز ۱۸ خرداد ۴۲ را به عنوان همدردی با امام و مردم شهیدداده و عزادار تهران و قم، عزای عمومی اعلام کنند و به تعطیل کردن دکان‌ها و مغازه‌ها دست بزنند که با تهدید و ارباب ساواک ساری رو به رو شدند

میهن پرستان و حفظ نظم و آرامش کامل، و رعایت اصل تشویق و تقدیر خدمتگزاران، و تنبیه خائنین، اخبار متینگ را به نحو شایسته‌ای از رادیو ایران پخش نماید.

در نتیجه با دستور مقامات ساواک تهران خبر متینگ ساری ضمن اخبار ساعت ۱۴:۳۰ از رادیو سراسری پخش شد. بعد هم ساواک تهران در تاریخ

۴۲/۳/۲۴ طی نامه‌ای به دفتر ویژه اطلاعات، ضمن ارایه گزارشی پر آب و تاب از متینگ شاه‌دوستان ساری، خواست که به همین خاطر مازندران‌ها مورد مرحمت خاص شاه واقع شوند:

از طرف ساواک استان دوم پیشنهاد گردیده در صورت تصویب اراده سینه شاهانه، اهالی مازندران مورد عنایت و مرحمت اعلیحضرت همایون شاهنشاه قرار گیرند.<sup>۱</sup>

در کنار این گونه مراسمات نمایشی دولتی، برخی از شاعران درباری نیز با آنها همراه می‌شدند و به محکوم کردن قیام بحق مردم می‌پرداختند و از شاه و جنایاتش دفاع می‌کردند که از جمله شعر حسن اکبری یکی از آموزگاران بابل بود که با عنوان «خطار به ملت، به ارتجاع سیاه» سروده بود که ابیاتی از آن چنین است:

... شاه پرچمدار ملت گشت در بحر نجات / گوش بر حق باش ای ناحق که بی‌دینی گذشت...  
پند ملت بشنو ای جانم بترس از کار خویش / شاه یار ملت است آن روز تنهایی گذشت...  
پادشاهها! قدرت ایزد نگهبان شما است / جانب بیچارگان رفتی و خان‌خانی گذشت<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. همان.





تکلیفات وارده

۴۵۶۵

۱- کلیه نوبت ۱۰۰۰	۲- کلیه نوبت ۱۲۵۰
۳- کلیه نوبت ۱۲۵۰	۴- کلیه نوبت ۱۲۵۰
۵- کلیه نوبت ۱۲۵۰	۶- کلیه نوبت ۱۲۵۰
۷- کلیه نوبت ۱۲۵۰	۸- کلیه نوبت ۱۲۵۰
۹- کلیه نوبت ۱۲۵۰	۱۰- کلیه نوبت ۱۲۵۰

۱۳۸۳/۱۲/۱۴ - ۳۰۱۹

شماره اول از روز جاری، علاوه بر این، در صورتیکه روز جاری در نتیجه اختلافات استان بختوان  
 کمتر شود و بیش از آن عدد و یا طاقی "۱۹" تصویب شود که مخصوصاً کوریت آن از نام مرکز است  
 حداقل هر یک از این دو روز ۳ نفر است. ۲۵ خرداد در دسترس است و دستگیر برگه را -  
 بود. با این روش، سیستم فشار و دریا مانده نیز بسته به این است که برای حالتی باشد که امکان  
 آنرا در حد کم است. با این روش، هر یک از این دو روز مانده و به هر حال امکان دارد که در حد کم  
 است. با این روش، هر یک از این دو روز مانده و به هر حال امکان دارد که در حد کم است.  
 و آنست که این روش در دسترس است و به هر حال امکان دارد که در حد کم است.  
 و آنست که این روش در دسترس است و به هر حال امکان دارد که در حد کم است.

۱۱۳۸۳/۱۲/۱۴ - ۳۰۱۹

۳۰۱ - ۱۳۸۳/۱۲/۱۴

مستور  
 مستور  
 مستور  
 مستور

مستور  
 مستور  
 مستور

روحانیان ساری نیز  
با مخابره تلگرافی به  
تهران پشتیبانی خود را  
از امام و دیگر علمای  
بازداشت شده اعلام و  
از ستمگری‌ها و کشتار  
۱۵ خرداد اظهار تنفر و  
انزجار کردند

مقامات سیاسی و امنیتی استان مازندران از روز ۱۷ خرداد آن  
سال شروع به تشویق افراد برای ارسال تلگراف‌های شاه‌دوستی  
به دربار نمودند. از جمله این تلگرافات:

جویبار - تهران شماره ۳۴۶ - ۳/۲۱  
ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت  
کشور  
رونوشت: تلگراف تقدیمی به حضور مبارک  
شاهنشاه مخابره گردیده

اقدامات نفرت‌آور اخلاک‌گران از خدا بی‌خبر باعث انزجار کلیه قاطبه  
اهالی مسلمان واقعی جویبار مازندران گردید. پشتیبانی همیشگی خود  
را جهت جانبازی و فداکاری در راه منویات پاک آن ناجی عظیم‌الشان  
که باعث حفظ وطن عزیز و استقلال دین اسلام است به شرف عرض  
همایونی می‌رسانیم.

جان‌نثاران از طرف اهالی جویبار و حومه  
گلچین شهردار، حاجی ناصر ورشوئی نایب رئیس انجمن [شهر]،  
حاجی قربان رشیدی، حاجی حسن اقبالیان، موسوی کاشانی، غلامرضا  
مدانلو، اسمعیل مدانلو، رمضان بیابانی.<sup>۱</sup>

رژیم خود می‌دانست این گونه متینگ‌ها و مدیحه‌سرایی‌ها و تلگرافات همه‌صوری و  
نمایشی است و هیچ یک ریشه مردمی و داوطلبانه ندارد، لذا از واکنش علاقه‌مندان امام  
خمینی نگران شدند و مانع از اجرای مراسم مشابه روز ۴۲/۳/۲۱ ساری در دیگر مناطق  
استان گردید. چنانکه در جلسه مورخ ۴۲/۳/۲۲ کمیته اطلاعاتی مازندران تصریح شده:  
نظر به اینکه اجرای متینگ در حال حاضر با توجه به اطلاعات موجود  
خیلی حساس [است] و ممکن است ماجراجویان از موقعیت سوءاستفاده  
و داخل جمعیت شده و موجب وقوع حوادثی بشوند. لذا کمیته  
[اطلاعاتی - امنیتی مازندران] تصمیم گرفت... فعلاً نسبت به برگزاری  
متینگ [جدید] موافقت ننماید.<sup>۲</sup>

خود این مصوبه نشان از این دارد که مقامات امنیتی و سیاسی رژیم در مازندران

۱. همان.

۲. همان.



ساعاتی پس از آزادی امام نیز (یعنی روز ۱۶ فروردین سال ۴۳) شهربانی تهران به شهربانی مازندران و سایر نقاط کشور دستورات امنیتی و کنترلی لازم را برای سرکوب هر نوع تحرک یاران امام صادر کرد و پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورد

می‌دانستند که قیام ۱۵ خرداد در منطقه اثرات مثبتی گذاشته و مردم - حداقل بخش قابل توجهی از جامعه - از حکومت متنفرند و ممکن است نسبت به متینگ‌های شاه‌دوستان واکنش منفی نشان دهند. چنانکه در همان جلسه یکی از مقامات امنیتی مازندران خبر از پخش اطلاعیه‌ها و پیام‌های دوستداران امام در منطقه داد و گفت:

طبق گزارش شهربانی شاهی فعالیت‌های مضره و پخش اوراق [ضد حکومتی] و انجام مکاتبه بعضی از عناصر ماجراجو با اشخاص اخلاک‌ساکن تهران کشف، و در نتیجه مرتکب و مسبب اصلی در شاهی [به] وسیله شهربانی دستگیر و به سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم [مازندران] تحویل که متهم زندانی [شد]. و موضوع تحت رسیدگی می‌باشد.

خبر فوق نشان می‌دهد که به رغم چتر گسترده امنیتی، شبکه‌ای از مخالفان رژیم که با تهران و قم مرتبط بوده‌اند ماهرانه و مخفیانه در مازندران فعالیت می‌کنند و به انتشار اطلاعیه‌ها و پیام‌های امام و سایر مخالفان در بین مردم می‌پردازند که شهربانی قائم‌شهر تنها موفق به دستگیری یکی از مخالفان شده است.<sup>۱</sup>

۱. رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی، همان، ص ۴۸۱-۴۸۰.

**تکراتات وارده**

۸۱۴۴-۰۰۰-۱۸

۱- کتبی - ۱۰۰  
 ۲- رتبه‌بندی - ۱۱۳۰  
 ۳- قدیم - ۷  
 ۴- قیمت اتمام کتبی - ۸  
 ۵- برای اطلاع - ۹

۱- شماره - ۲۴۲۸  
 ۲- تاریخ - ۲۲/۳/۲۱  
 ۳- به - تهران  
 ۴- از - ساری

شماره ۲۲۱ - ۲۲/۳/۲۱

آقای امامعلی حبیبی قهرمان کشتی به پیشنهاد اینجانبه  
 درمشتگ سفترانی نمود و سفترانی ایشان  
 را قدوی تهیه و من آنرا قرائت نمودند .

۲۲۲ - ۲۲/۳/۲۱ مورخ



Handwritten notes and signatures in Persian script, including a large signature at the bottom right and various smaller annotations.

## نگرانی‌های رژیم از اربعین شهدا

علاوه بر این، طلاب و جوانان و دانشگاهیان مازندرانی ضمن فعالیت در داخل استان، در دیگر استان‌های کشور نیز از جمله قم و تهران و... به شکل‌های مختلف مبارزه می‌کردند و پیام قیام ۱۵ خرداد را به گوش دیگران می‌رساندند. برخلاف تصور رژیم که خیال می‌کرد با کشتار ۱۵ خرداد و بازداشت امام همه چیز خاتمه یافته، این اتفاقات تلخ موجب رشد سیاسی و افزایش آگاهی اجتماعی آنها شد؛ به طوری که چندی بعد یعنی در تابستان سال ۴۲ وقتی موعد انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی فرا رسید، مردم نسبت به آن بی‌اعتنایی کردند. لذا مراجع و روحانیت (به ویژه آیات عظام: میلانی، مرعشی نجفی، خویی، شیرازی و شریعتمداری) که دل‌پری از جنایت‌های رژیم داشتند شرکت در انتخابات را تحریم کردند و در نتیجه با انتشار خبر تحریم انتخابات، مردم مازندران مثل سایر مناطق کشور، با بی‌اعتنایی و مخالفت با آن ضربه سختی به حیثیت سیاسی حکومت پهلوی وارد نمودند.

در این میان اربعین حسینی فرارسید. هر چه به این روز نزدیک‌تر می‌شدیم سازمان‌های امنیتی و نظامی رژیم دستپاچه‌تر می‌شدند.<sup>۱</sup> چراکه اربعین سال ۴۲ تنها یک اربعین مذهبی متعارف مثل همیشه نبود بلکه علاوه بر آن این روز مصادف با اربعین بازداشت امام خمینی و شهدای بی‌گناه قیام ۱۵ خرداد قم نیز بود و وحشت رژیم بیشتر از این بابت بود که مبدا مخالفان رژیم به این مناسبت دست به تحرکی بزنند.<sup>۲</sup> چنانکه دو هفته قبل از اربعین سرهنگ ستاد صمدیان پور رئیس اداره اطلاعات شهربانی کشور با ارسال بخشنامه‌ای در تاریخ ۱۳۴۲/۴/۶ به شهربانی مازندران خبر از اعزام روحانیان مخالف به آن منطقه داد و نوشت:

طبق اطلاع واصله به منظور تجلیل از درگذشتگان حوادث اخیر تهران، در نظر است مراسمی در شب چهلم آنان انجام و بدین منظور نسبت به ولایات توجه خاصی شده و وعاظی به ولایات اعزام [شوند] که در حال حاضر روش آنها به ترتیبی نیست که مأمورین متوجه شوند و آنها در روز موعد معین می‌خواهند مرثیه خوانده و مردم را دعوت به اقداماتی بنمایند. دستور فرمایید مأمورین مربوطه در این مورد مراقبت‌ها

۱. آن روزها اضطراب و آشفتگی اعصاب مسئولان امنیتی مازندران به حدی بود که حتی دو پاکت نامه مهم سری و محرمانه آنها به اشتباه به جای دیگری ارسال می‌شود! چنانکه نامه‌های مورخ ۴۲/۴/۲۷ و ۴۲/۴/۳۰ شماره‌های ۱۰۰/۲۰۸۷ و ۱۰۰/۲۱۰۳ اداره کل یکم ساواک در خصوص همین موضوع است؛ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور.

۲. رحیم نیکبخت میر کوهی و مجتبی سلطانی، همان، ص ۴۸۲.

و پیش‌بینی‌های لازم به عمل آورده و از نتیجه، این اداره را آگاه سازند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر در همین راستا یک هفته قبل از موعد، کمیته اطلاعاتی و امنیتی استان مازندران تشکیل شد و تصمیمات و پیش‌بینی‌های لازم را برای مراقبت از مجالس و مراسمات و سرکوب هر اقدامی از سوی مخالفان اتخاذ نمود:

ساعت ۹۴۰ روز ۴۲/۴/۱۵ جلسه کمیته اطلاعاتی در دفتر کار تیمسار سرتیپ ساجدی سرپرست شهربانی‌های مازندران تشکیل و به شرح زیر مذاکره و تبادل نظر انجام و اخذ تصمیم به عمل آمد:

۱. نامه شماره ۹۸۶/۳۰۵/ز - ۴۲/۴/۶ اداره اطلاعات شهربانی کل به اطلاع اعضا کمیته اطلاعاتی رسید، با توجه به اهمیت موضوع کمیته لازم می‌داند که شهربانی مازندران در مورد برقراری هر گونه مجالس روضه‌خوانی که ممکن است از تاریخ ۲۲ ماه جاری به بعد تشکیل شود از نظر سابقه و حسن رویه متقاضی و غیره بررسی لازم انجام، و هر گاه با تحقیقاتی که خواهد شد برقراری مجالس مزبور مصلحت نباشد اجازه داده نشود، و نسبت به مجالسی که فعلاً نیز دایر است بررسی و مطالعه کافی معمول، و در مورد هر مجلس که خلاف مصلحت تشخیص [داده] شود تصمیم مناسب و شایسته اتخاذ گردد. ضمناً ورود و خروج و عاظ و طلبه‌هایی که وارد شهر می‌شوند تحت مراقبت قرار گرفته و بیانات و اظهارات آنان در مجالس روضه‌خوانی مورد دقت و کنترل بوده باشد. این عمل و مراقبت‌ها را ناحیه ژاندارمری شمال با تعلیماتی که به واحدهای تابعه ابلاغ خواهند نمود معمول داشته و پیش‌بینی کافی بنمایند. مخصوصاً از سرکار سرهنگ منوچهری کفالت ژاندارمری تقاضا شد به مأمورین مربوطه توجه داده شود که اگر در زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی و امامزاده‌ها در تاریخ‌های ۲۴ و ۲۵ ماه جاری اعم از روز و شب اجتماعاتی صورت بگیرد مراقبت بیشتری معمول دارند. و راجع به روز اربعین که مصادف با روز جمعه مورخ ۴۲/۴/۲۱ می‌باشد واحدهای ژاندارمری کمال مراقبت و پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورده، با آماده داشتن همه مأمورین و کادر موجود از وقوع هر حادثه متصوره جلوگیری و حسن انتظامات و برقراری امنیت را حفظ نمایند.

۱. دهنوی، قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ به روایت اسناد، تهران، رسا، ۱۳۶۰، ص ۲۰۰.





مأمورین سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم نیز با مأمورین شهربانی و ژاندارمری بر حسب امکان و ضرورت تماس گرفته و همکاری کافی معمول خواهند داشت.

۲. چون تاریخ سی‌ام تیر ماه نزدیک است کمیته اطلاعاتی لازم می‌داند هم اکنون قسمت‌های شهربانی و ژاندارمری به این امر توجه داشته و با هوشیاری مراقب حفظ انتظامات بوده و در صدد کسب اطلاعات لازم می‌باشند.

۳. در جلسه آتی تیمسار سرپرست شهربانی صورت نقاط حساس داخل شهر را تسلیم کمیته خواهند فرمود که با توجه به آئین نامه کنترل اغتشاشات طرح‌های حفاظتی تهیه و تصمیمات لازم اتخاذ شود.

۴. ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم اطلاعاتی در اختیار کمیته گذاردند مبنی بر این که روز سه‌شنبه یازده تیر ماه جاری آقایان آیت‌الله سالکی و شیخ مرتضی امامی به معیت چند نفر از معتمدین و رؤسای اصناف بابل به منزل ایشان رفته و در موضوع اختلافات موجود مابین آقایان مهرداد فرماندار بابل از یک طرف و شهردار و اعضای انجمن شهر از طرف دیگر اظهار نگرانی نموده و بیان داشتند که این اختلافات ممکن است مسبب بروز حوادث و ناراحتی و تحصن مخالفین آقای فرماندار و وقوع پیش آمد نامطلوبی گردد و عده‌ای از افراد مغرض و منتسب به دستجات مختلف هم از این وضع سوء استفاده و ایجاد ماجرا نمایند. سرکار سرهنگ موثقی اظهار داشتند که این موضوع را شفاهاً به اطلاع جناب آقای استاندار رسانیدم مع‌هذا از جهت تسریع در رفع این اختلافات و جلوگیری از نتایج سوء آن، کمیته ضرورتاً از تیمسار سرتیپ ساجدی تقاضا می‌نماید شخصاً با جناب آقای استاندار مذاکره و توجه ایشان را در رفع اختلافات فوق جلب کنند.

۵. اخیراً مشاهده شده که بعضی از افراد ماجراجو با پوشیدن لباس گروهبان سومی و افسری جزء ارتش در مناطق مختلفه از اشخاص مبادرت به سوء استفاده می‌نمایند. لذا مأمورین دژبانی و همچنین افراد ژاندارمری موظفند اشخاص مشکوک و نشناخته را که ملبس به لباس مزبور باشند تحت مراقبت قرار گرفته و نسبت به تشخیص هویت و



شناسایی آنان اقدام و در صورتی که به طور غیر مجاز کسانی مبادرت به استفاده از لباس فرم ارتش کرده باشند آنان را جلب و برابر قانون تعقیب نمایند.

۶. جلسه کمیته در ساعت ۱۱۴۰ خاتمه یافت و جلسه بعد در ساعت ۰۹۰۰ مورخ ۴۲/۴/۲۲ در دفتر تیمسار سرتیپ جاهد فرماندهی تیپ ۳ رضاپور تشکیل خواهد شد.

سرتیپ ساجدی سرپرست شهربانی‌های استان دوم

سرتیپ جاهد فرمانده تیپ ۳ رضاپور

سرهنگ موثقی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم

سرهنگ منوچهری معاون ناحیه ژاندارمری شمال

سرهنگ ۲ عباسی دبیر کمیته اطلاعاتی<sup>۱</sup>.



۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور.





همچنین اسدالله علم - نخست‌وزیر - نیز که نگران اقدامات تلافی‌جویانه دوستداران امام در این ایام بود به تکاپو افتاد و طی بخشنامه‌ای محرمانه - فوری در تاریخ ۴۲/۴/۲۰ به استانداری مازندران و سایر استان‌ها، خواستار سرکوب تظاهرکنندگان شد:

ممکن است فردا اربعین و همچنین یکشنبه ۲۳ تیر ماه به مناسبت چهلم اشخاصی که کشته شده‌اند ماجراجویانی قصد تولید اختلال و اغتشاش داشته باشند. باید قبلاً مراقبت کافی بفرمایید و همچنین به عموم مردم ابلاغ کنید اگر کسی تظاهر بکند از اخلاک‌گرا پانزدهم خرداد محسوب، و جداً مورد تعقیب قرار خواهد گرفت. با رؤسای شهربانی و ژاندارمری و ساواک و مخصوصاً فرماندهان واحدهای نظامی مسائل راه، بررسی کرده و همکاری دقیق باید بفرمایید.

نخست‌وزیر، اسدالله علم  
رونوشت خیلی فوری برای صدور دستور مقتضی برای رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران ارسال می‌شود.

نخست‌وزیر - اسدالله علم  
رونوشت جهت اطلاع شهربانی کل کشور ارسال می‌شود.

نخست‌وزیر - اسدالله علم<sup>۱</sup>  
پیرو فرمان نخست‌وزیر، سرهنگ صمدیان پور رئیس اداره اطلاعات شهربانی کشور نیز با ارسال بخشنامه‌ای در همان روز به شهربانی مازندران، مشابه اقدام نخست‌وزیر، دستور داد تا مأموران با هر گونه تظاهراتی به مناسبت اربعین قیام ۱۵ خرداد به طور جدی برخورد نمایند.

ترس رژیم از اقدام احتمالی مخالفان به حدی بود که روز ۲۱ تیر ماه سال ۴۲ که مصادف با اربعین امام حسین (ع) بود همه شهرها سخت مورد کنترل امنیتی قرار گرفت. اما شهرهای مشهد و قم که دسته‌های عزاداری از سراسر کشور از جمله استان مازندران به آن دو شهر به خاطر وجود مطهر امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) می‌رفتند بیش از سایر جاها کنترل می‌شد.<sup>۲</sup> چنانکه ساواک مشهد در گزارش مورخ ۲۱ تیر خود از حضور هیئت‌های عزاداری شهرهای مختلف از جمله عزاداران بابل و ساری در این شهر خبر داده و نوشته است: «تا ساعت شش بامداد امروز نیز اوضاع کاملاً عادی [است].»<sup>۳</sup> سپس

۱. دهنوی، همان، ص ۲۰۲.

۲. رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی، همان، ص ۴۸۷.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور، سند تلگرام بی‌سیم ش ۵۱۰۲، ۴۲/۴/۲۱ ساواک مشهد به تهران.





تصریح نموده که ساعت ۹ بامداد امروز گزارش اوضاع مجدداً ارسال می‌گردد. مقامات امنیتی در حالی اوضاع را عادی و آرام نشان می‌دادند که تعدادی از مخالفان رژیم در منطقه فعال بودند و یا اسیر زندان‌های مخوف شهربانی مازندران. موثقی رئیس ساواک ساری در تاریخ ۴۲/۴/۲۷ طی گزارشی به تهران نوشت:

در حال حاضر دو نفر متهم از طرف این ساواک با صدور قرار بازداشت بازپرسی تیپ ۳ رضاپور در زندان شهربانی ساری بازداشت می‌باشند: متهم اول قاسم شهرت مقدوری، فرزند ابراهیم، متولد ۱۳۱۲ گیلان، دارنده شناسنامه شماره ۸، مذهب اسلام، تبعه ایران، ساکن فعلی تهران - چهارراه باستان - کوچه پروره - پلاک ۳۴۸ - دانشجوی دانشکده علوم، رشته زمین‌شناسی که برابر امریه تلگرافی ۳۱۶۹ در مورخه ۴۲/۳/۲۰ دستگیر و تا ابلاغ اوامر آن اداره کل زندانی است. و متهم دوم، اکبر فرزند قدرت‌الله، شهرت قدرت‌الهی، ۳۴ ساله، فاقد شناسنامه، اهل خرمشهر، بی‌سواد، شغل بیکاره، که به اتهام جاسوسی از طرف ضد اطلاعات تیپ سه رضاپور دستگیر و تحویل این ساواک گردیده که مراتب طی تلگراف شماره ۴۱۱ مورخه ۴۲/۴/۱۹ به عرض رسیده است.<sup>۱</sup>

### نشاط و هیجان مازندرانی‌ها از آزادی امام

بالاخره رژیم ده ماه پس از دستگیری حضرت امام، او را در شامگاه ۱۵ فروردین سال ۴۳ آزاد کرد. شاید بتوان گفت که آزادی امام بیش از وقایع خونبار سال ۴۲ در میان مردم مؤثر افتاد و موجب بیداری و دل‌بستگی آنها به مذهب و روحانیت و مبارزات امام شد. برخی از مردم در ایام عید و تحویل سال جدید طبق یک سنت مذهبی دیرینه به آستان مقدس امام رضا(ع) در مشهد و حضرت معصومه(س) در قم می‌روند که ازدحام زیادی در این دو شهر به وجود می‌آید و بعد از تعطیلات به شهرهای خود بازمی‌گردند. به همین خاطر رژیم امام را پس از تعطیلات عید نوروز و بازگشت شهرستانی‌ها و خلوت شدن قم آزاد کرد. اما بازگشت امام به قم پس از ده ماه با چنان ازدحام و استقبالی مواجه شد که در تاریخ سیاسی ایران بی‌سابقه بود. علاقه‌مندان امام جشن بزرگی برگزار کردند و موجب انبساط خاطر مردم مسلمان سراسر کشور شدند. حجت‌الاسلام عبدالحمید عبدالاحد که خود شاهد صحنه بوده می‌گوید:

۱. همان.

به مناسبت ورود امام به قم، جشن باشکوهی در مدرسه فیضیه برگزار شد. ابتدا آقای مروارید و سپس آیت‌الله خزعلی به منبر رفتند و بعد نیز آقای حجتی کرمانی قطعنامه‌ای خواند. آذین‌بندی فیضیه نیز در آن مراسم بین طلبه‌ها تقسیم شده بود. از سمت شمال شرق به طرف جنوب مدرسه در اختیار مازندرانی‌ها بود و آقای جوادی آملی آنها را سرپرستی می‌کرد و بقیه قسمت‌ها نیز با آقایان دین‌پرور، خندق‌آبادی و علی‌حیدری بود.<sup>۱</sup>

این در حالی بود که یک هفته قبل از آزادی امام، مقامات ساواک در استان مازندران که از آزادی امام در آینده‌ای نزدیک خبر داشتند شروع به تهدید و تطمیع افراد مخالف رژیم نمودند تا به زعم خود مانع از هر گونه اقدام احتمالی آنها شوند. گزارش مورخ ۴۳/۱/۱۰ آقای کنگر لورئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم (مازندران) در این باره چنین است:

ضمن تماسی که با روحانیون متنفذ منطقه گرفته شده و مرتباً نیز گرفته خواهد شد به آنان تفهیم گردیده است روحانی واقعی کسی است که کوشش خود را فقط ارشاد مردم به طرف دین نموده و از این راه به دین اسلام و مردم خدمت نماید و چنانچه مطلقاً به امور مذهبی پرداخته و در سیاست دخالت ننمایند مورد مرحمت [ساواک] قرار گرفته و از کمک‌های مادی و معنوی برخوردار خواهند شد.

به همین لحاظ تا این تاریخ فعالیت مخالفت‌آمیزی از هیچ یک از آنان دیده نشده و به اینجانب نیز قول داده‌اند من بعد فعالیت مضره ننمایند. با توجه به مراتب بالا و اینکه تعداد آنان در منطقه مازندران و گرگان (ساری، بهشهر، بابل، آمل، محمودآباد، نوشهر، چالوس، شهسوار، رامسر، نور، گرگان، گنبد، بندر شاه) ۱۵ نفر می‌باشند. چنانچه مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال ارسال فرمایند می‌توان با تقسیم بین آنان و سایر وعاظ و تکایا و مساجد در ماه‌های محرم و صفر در پیشبرد مقاصد و نیات سازمان قدم‌های مؤثری برداشت.<sup>۲</sup>

ساعاتی پس از آزادی امام نیز (یعنی روز ۱۶ فروردین سال ۴۳) شهربانی تهران به شهربانی مازندران و سایر نقاط کشور دستورات امنیتی و کنترلی لازم را برای سرکوب

۱. عبدالوهاب فراتی، همان، ص ۱۵۴.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کشور.



هر نوع تحرک یاران امام صادر کرد و پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورد. سپس سرلشکر پاکروان رئیس ساواک کشور در تاریخ ۴۳/۱/۲۰ تلگراف رمزی به ساواک مازندران و سایر استان‌ها مخابره نمود<sup>۱</sup> و نوشت:

حسب الامر نظر به این که ممکن است در مورد ترخیص آیت‌الله خمینی بعضی محافل بخواهند مراسمی به عمل بیاورند برای این که بی‌خودی تصور نرود که به این موضوع زیاد اهمیت داده می‌شود؛ صلاح در این است که دخالت نشود. اگر در طی این مراسم حرف‌های خلاف رویه زده شود هویت اشخاصی که این حرف‌ها را زده‌اند مشخص شود تا مورد بازخواست و تعقیب قرار گیرند. اوامر فوق را دقیقاً مورد نظر و اجرا قرار داده و جریان را به طور روزانه گزارش دهید.<sup>۲</sup>

به دنبال این گونه دستورات مقامات ساواک و شهربانی بود که مراقبت‌های مراکز سیاسی و نظامی در استان مازندران افزایش یافت.<sup>۳</sup> چنانکه در تاریخ ۴۳/۱/۲۰ شهربانی قائم‌شهر (شاهی سابق) طی گزارشی به ریاست اداره اطلاعات شهربانی کل کشور گزارشی از تحرکات دوستداران امام و مخالفان رژیم پهلوی در قائم‌شهر مازندران ارایه کرد:

طبق گزارش مأمورین مربوطه عده قلیلی وابسته به انجمن تبلیغات اسلامی به ویژه حبیب‌الله عمران مربوط به نامه شماره ۵/۳۲۶-۴۳/۳/۲۱ این شهربانی طرفدار آقای خمینی بوده چندی قبل در مسجد حاجی عشقی آقای حاج حسن فقیه پیشنماز پس از انجام فریضه نماز رساله آیت‌الله شاهرودی را تفسیر و معنی می‌شده آقای حبیب‌الله عمران معترض شد که ما همه مقلد آقای خمینی هستیم و رساله و مسائل آقای خمینی را قبول داریم. و در آن جلسه قرار شد بعداً از رساله مربوطه به مسائل دینی آقای خمینی قرائت و بحث گردد.

چندی قبل هم اطلاع حاصل شد چند نفر از معممین از شاهی به عنوان بازدید آقای خمینی به قم عزیمت نمودند. با بررسی که به عمل آمده ظاهراً معلوم است دو نفر از روحانیون بنام محمدطاهر محمدی پیشنماز مسجد جامع و حاج حسن آفاقیه پیشنماز مسجد عشقی رفته‌اند و چند

۱. سپس همین بخشنامه را باز سرتیپ صمدیان پور رئیس شهربانی کشور به ساری و ده شهر دیگر ایران ارسال نمود.

۲. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد شهربانی، همان، ص ۲۰۲.

۳. رحیم نیکبخت میر کوهی و مجتبی سلطانی، همان، ص ۴۹۱-۴۸۸.

نفر از کسبه بازار [بنا دارند] ظاهراً به قصد خرید اجناس، [اولی] باطناً برای ملاقات با آقای خمینی به قم بروند.

ضمناً اطلاع دیگری در دست است [که] آقای شیخ صبوری پیشنهاد مسجد سید محله قصد دارد به علت آزادی آقای خمینی مجلس جشنی منعقد نماید. البته این خبر با تردید اعلام می‌گردد. مراقبت ادامه دارد اگر آموزش و ارایه طریق بهتر و بیشتری باشد امر به ابلاغ فرمایند.

رئیس شهربانی شاهی - سرگرد بزرگ‌نیا

گیرندگان: تیمسار سرپرست شهربانی‌های مازندران و گرگان جهت استحضار

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم [مازندران] جهت استحضار<sup>۱</sup>

حتی با وجود مشقت مسافرت و مشکلات جاده و مسافت طولانی و عقب‌ماندگی وسایل حمل و نقل و کمبود ماشین‌آلات، به خاطر ارادت مازندرانی‌ها به امام تعداد زیادی از این استان به قم رفتند و ضمن ملاقات با امام خمینی، مقداری وجوهات شرعی نیز جهت مصارف حوزه‌های علمیه و تبلیغات مذهبی و پیشبرد مبارزه علیه حکومت پهلوی به او پرداخت نمودند که برخی از این مسافرت‌ها و ملاقات‌ها توسط جاسوسان ساواک و شهربانی گزارش شده است. از جمله:

تاریخ ۴۳/۱/۳۰

[موضوع: آیت‌الله خمینی - ایران - محرمانه]

طبق اطلاع واصله اخیراً از شهرستان‌های مختلف طبقاتی از مردم به طور انفرادی و یا دسته‌جمعی به شهرستان قم می‌روند و ضمن دیدار از آیت‌الله خمینی، پول‌هایی هم به وی هدیه می‌نمایند. گفته می‌شود چند روز قبل از استان مازندران دستجاتی تحت سرپرستی دکتر اسماعیل طهماسبی، علی‌حقوقی و کیل دادگستری و چند نفر دیگر به شهرستان قم عزیمت نموده و در حدود یک صد هزار تومان پول همراه داشته و [به عنوان وجوهات شرعی] به آیت‌الله خمینی پرداخت کرده‌اند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۱۹۰.

۲. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۳، ص ۶۴.



علاوه بر این اینها، افراد و طبقات اجتماعی دیگری نیز از سایر مناطق استان مازندران به دیدار امام در قم رفتند که از جمله یک گروه ۳۳ نفری بودند که در تاریخ ۲۶ فروردین سال ۴۳ با اتوبوس از شهرستان قائم‌شهر (شاهی سابق) راهی قم شدند. اینک گزارش توصیفی مأمور تحقیق شهربانی قائم‌شهر در این رابطه آورده می‌شود:

به طوری که تحقیق و معلوم گردید دو نفر از اهالی شهرستان شاهی - البته اسامی آنان در شرح زیر درج می‌گردد - به واسطه دست‌بوسی پیش آقای خمینی رفته‌اند یکی از دوستان بنده که توی آنها بود جریان واقعات که قم رفته‌اند و برگشته‌اند را برای بنده تعریف نمود:

در ساعت ۳ بعد از ظهر مورخه ۴۳/۱/۲۶ [به] وسیله اتوبوس رفتند و در ساعت ۹/۵۵ [شب] در تهران جهت ادای نماز ایستاده، پس از نماز [و] صرف شام مجدداً به طرف قم حرکت کردند. در ساعت ۱/۲۰ بعد از نصف شب به قم رسیدند و شب در مهمانخانه بسر برده، در ساعت ۵ صبح همگی حرکت کردند برای ادای نماز صبح و زیارت سپس به طرف شهر قم، پس از صرف صبحانه در ساعت ۷/۳۰ صبح دسته‌جمعی می‌خواستیم برویم در منزل آقای خمینی، وسط راه یک نفر جوان جلو آنان را گرفته و از آنان پرسش نمود که شما از کجا آمده و برای چی آمده و چند نفر هستید، سرپرستان شما چه کسانی هستند؟

پس از سؤالات رفتند در منزل آقای خمینی. چون صبح بود کسی نبودند. آقای حاجی نظری که اهل شیرگاه و زیر آب می‌باشند آنها را معرفی می‌نمودند. آقای خمینی فرمودند که بسیار از شما ممنون هستم که از راه دور تشریف آوردید همیشه یگانگی و اتحاد را از خود دور نکنید که هیچ کس نمی‌تواند زنجیر [اتحاد] را پاره بکند و بر دین لطمه وارد بنماید. [سپس] رو به آقای صبوری که پیش‌نماز اهل شاهی بود نمود [و] گفت: شما تا می‌توانید چون که کارگران و دهقانان بیچاره نمی‌دانند آنها [را] در مسجد همیشه جمع‌آوری نموده و [نسبت به آگاه کردن آنها] در دین اسلام کوشا باشید...<sup>۱</sup>



سپس در ادامه همین گزارش فهرست افراد فوق ضمیمه شده که در اینجا با همان ادبیات مندرج در اسناد ارایه می‌شود:

۱. اسم و شهرت: آقای صبوری، شغل: معمم  
ملاحظات: با دو پسرش یکی کلاس چهارم متوسطه، دیگری سوم ابتدایی
۲. ...: آقای حاجی حیدریان، شغل: کارمند کارخانه نساجی شاهی  
ملاحظات: یک فرزند کلاس چهارم متوسطه به نام حسین حیدریان
۳. ...: آقای حاجی هاشمی، شغل: کارمند نساجی شاهی  
ملاحظات: یک فرزند کلاس پنجم ابتدایی
۴. ...: آقای محبوبی، شغل: کارمند کارخانه نساجی شاهی
۵. ...: آقای معمایی، شغل: کارمند اداره کار
۶. ...: آقای علی اکبر داداش زاده، شغل: متصدی کارگران کارخانه نساجی

- ملاحظات: یک فرزند ششم ابتدایی
۷. ...: آقای برادران ساداتی، شغل: کارگر کارخانه نساجی شاهی  
ملاحظات: چهار نفر پسر عمو ساداتی آن هم کارگر کارخانه نساجی
۸. ...: آقای خوشرو، شغل: کارمند بانک ملی
۹. ...: آقای جهانگیر، شغل: کارگر کارخانه نساجی
۱۰. ...: آقای رضانی، شغل: کارگر کارخانه نساجی  
ملاحظات: با پسر عموییش آن هم کارگر کارخانه نساجی است
۱۱. ...: آقای سلیمی، شغل: کارگر کارخانه نساجی
۱۲. ...: آقای بزاز، شغل: کاسب  
ملاحظات: با پسرش کلاس سوم متوسطه
۱۳. ...: آقای کیانی، شغل: کاسب
۱۴. ...: آقای عیدی، شغل: کاسب
۱۵. ...: آقای سید رضا حاجی باقری، شغل: کاسب  
ملاحظات: با پسرش کلاس سوم ابتدایی
۱۶. ...: آقای فیضی، شغل: دکتر بازنشسته بهداری شاهی  
ملاحظات: البته پسرش هم در شاهی پزشک می‌باشد.





۱۷. .... آقای داودی، شغل: مدرسه فیضیه  
 ۱۸. .... آقای وهابی، شغل: کارگر کارخانه نساجی  
 ۱۹. .... آقای شهابی، شغل: کارگر کارخانه نساجی  
 ۲۰. .... آقای حسینی حیدری، شغل: کارگر کارخانه نساجی  
 ۲۱. .... آقای عباس محسنیان، شغل: کاسب<sup>۱</sup>

شهربانی شاهی همچنین تصریح نموده که اعمال و رفتار افراد فوق تحت مراقبت می‌باشد. باز ساواک در گزارشی خیلی محرمانه در تاریخ ۴۳/۲/۲۰ از ملاقات‌های مازندرانی‌ها با امام چنین آورده است:

مأمور ویژه این بخش که اطلاعات کافی روی روحانیون طراز اول داشته و با آنها مراوده دارد روز جمعه (۴۳/۲/۱۸) به اتفاق شیخ مرتضی امامی یکی از روحانیون شهرستان ساری که مورد توجه آیت‌الله خمینی است به قم مسافرت نموده و با آیت‌الله خمینی ملاقات کرده‌اند. در این ملاقات آیت‌الله خمینی مطالبی اظهار داشته<sup>۲</sup> که خلاصه آن ذیلاً از عرض می‌گذرد:

... تمام این امور [خلاف] به دست شاه انجام شده ولی من عقیده باطنی دارم که... یک عده بهایی که اکنون در اطراف شاهنشاه هستند و از اعمال امریکایی‌ها می‌باشند شاهنشاه را وادار به اقداماتی می‌کنند که به ضرر ایشان تمام می‌شود...

آیت‌الله خمینی در مورد علم - نخست‌وزیر سابق - اظهار داشته او دست‌نشانده و خانه‌زاد انگلیسی‌ها بود و از راه دوستی [با شاه] کارهایی کرد که تمام طبقات نظامی، آخوند، کاسب، اداری (عیناً به همین ترتیب نام برد) ناراضی شوند...<sup>۳</sup>

جمعی از بازاریان شهرستان قائم‌شهر نیز در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۴۳ با حضرت امام در قم ملاقات کردند. امام در این دیدار طی سخنانی فرمودند:

فعال کاری با آنها نداشته باشید. شما هر چه می‌توانید جوانان را به

۱. همان، ص ۳۵۲-۳۵۱.

۲. این سخنان صرفاً برداشت و تحلیل جاسوس ساواک می‌باشد نه عین فرمایشات امام. چون امام همیشه از کلمه شاه در سخنانش استفاده می‌کرد نه شاهنشاه؛ از طرف دیگر امام همواره شاه را عامل اصلی بدبختی‌های کشور و کشتار مردم می‌دانست نه عروسک‌های بی‌اختیاری مثل علم و...

۳. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۳، ص ۲۶۳.



مسجد دعوت کنید. جریان دین اسلام را به آنها تلقین نمایید. کم کم حساب بهایی‌ها را هم در این مملکت خواهیم رسید. تمام کارهایی که خلاف قرآن است در این مملکت جعفری، ما همه را بر طرف خواهیم نمود به فضل خداوند متعال. شما علمای هر شهرستان باید توجه داشته باشید، چه نحوه باید به راه تبلیغ وارد شد تا بتوانیم استفاده نماییم. باید به مردم رسانید که رسول اکرم با پای پیاده می‌رفت برای امر تبلیغ؛ حکم خداوند را به مردم می‌رسانید. ما باید فعالیت نماییم برای دین مقدس اسلام. تمام مردم وظیفه دارند برای امر دین کوشش نمایند...

مگر تبلیغ عوض می‌شود؟ تا حال هر نحوه به مردم تبلیغ می‌کردید همان نحوه تبلیغ نمایید. واقعیت را باید به مردم رسانید. شخص تبلیغ کننده، ترس و واهمه نباید داشته باشد. از بالای دار هم نباید ترس داشته باشد. آنهایی که در بندر عباس تبعید هستند، و آنهایی که کشته شده‌اند، مگر باک از کشته شدن داشتند؟ در موقع چشم بستن، آنها داشتند می‌خندیدند و سر به سوی خدا بلند می‌کردند. آن نحوه باید مبارزه کرد.

بهترین راه تبلیغ این است که من در اول گفتم. باید مطلب را به مردم رسانید. خدا شاهد است من خمینی از هیچ چیز واهمه ندارم؛ حرف‌های خود را هم می‌گویم. خودشان هم می‌دانند حق با مراجع تقلید است. کوشش روحانیت از روی قانون قرآن است و حرف‌هایشان منطقی است. در این مدت مبارزه خود، که هنوز هم ادامه دارد، هیچ تغییر نکردم؛ ولی گاهی برای دین غصه می‌خورم که چرا باید در مملکت جعفری ما این نحوه کارهای خلاف قرآن عملی شود. پریشب شام منزل آیت‌الله نجفی بودم. آقای شریعتمداری هم بود. گفتم: مراجع تقلید قبلی مسئول هستند؛ اگر حقیقت امر الهی را نگویند و برای دین دفاع نکنید. باید همه ما دست به هم داده تا قوانینی که وضع شده منحل نماییم. خودشان هم اطلاع دارند، تا این قوانین منحل نشود، علما دست‌بردار نیستند. تمام کشور [های] خارج، مطلب روحانیت را فهمیده‌اند که هیئت حاکمه دارد با علمای شیعه چه می‌کند. زندان‌ها می‌برد، تبعید می‌کند. گوش



به حرف علما نمی‌دهند...<sup>۱</sup>

از طرف دیگر به خاطر عمق و گستردگی علاقه مردم به قائد و مرجع بزرگشان که معروف به آیت‌الله حاج آقا روح‌الله خمینی بود، آنان به هر عکس و تصویر و کتاب و رساله منتسب به امام عشق می‌ورزیدند. به همین دلیل برخی از علاقه‌مندان امام پس از سفر به قم و تهران و مشاهد تصاویر ایشان را نیز از مراکز مختلف تهیه می‌کردند و به مازندران می‌آوردند و در میان مردم توزیع می‌نمودند. این کار که موجب عصبانیت مأموران امنیتی رژیم شده بود ساواک و شهربانی و سایر مراکز نظامی سعی وافر نمودند تا عوامل توزیع‌کننده این تصاویر را شناسایی و دستگیر نمایند:

اخیراً محمد اسماعیل فرزند عبدالله کارگر شماره ۴۶۶ کارخانه چیت‌سازی بهشهر، در تاریخ ۴۳/۲/۸ به طهران عزیمت نموده و روز ۴۳/۲/۱۳ مراجعت [نموده] تعداد زیادی عکس آیت‌الله خمینی را با خود آورده و توسط رضاعلی فرزند صدقی کارگر شماره ۶۰۵ قسمت نخ‌ریسی بین چند نفر از کارگران بنامان: ۱. سید محمد رضوی ۲. زین‌العابدین فرزند جعفر ۳. محمدحسین رکابندی ۴. علی‌اکبر رکابندی ۵. حسینعلی ایمانی ۶. غلامحسین نوروزی ۷. داداش ماهیانی ۸. محمد باغی توزیع نموده است.

چون احتمال می‌رفت در کارخانه مزبور اختلافاتی به وجود آید مراتب طی شماره ۵/۳۱۳-۴۳/۲/۱۶ به سرکار سرهنگ عبدلی ریاست انتظامات کارخانه چیت‌سازی بهشهر اعلام [شد]. ضمن شماره ۵۷۱-۴۳/۲/۲۴ پاسخ می‌دهد محمد اسماعیل فرزند عبدالله کارگر فوق‌الذکر که در تهران بیمار بستری دارد، در تاریخ ۴۳/۲/۸ به طهران عزیمت و به طوری که اظهار می‌دارد در مدخل مسجد شاه به طرف بازار در چند مغازه کتاب فروشی عکس آیت‌الله خمینی را دیده ضمن خرید نوشت‌افزار، تعداد ۱۵ قطعه عکس خریداری و پس از مراجعت آنها را به دوستان کارگر خود به شرح زیر:

۱. رضا معدنی ۲. سید محمد رضوی ۳. فتح‌الله نادری ۴. محمدعلی اسلامی رستمی ۵. ابراهیم عسگری گلوگاهی ۶. محمد کیمیایی ۷. داداش ماهیانی ۸. محمد فیروزی

داده است. و اضافه شده به منظور این که در محیط اجتماع کارگری اقدامات محرمانه و پخش اوراق [به] وسیله کارگران و کارمندان به هر اسم و عنوان باب نشود و لطمه‌ای به کار تولید وارد نیاید و موجب تشتت افکار کارگران نگردد، کارگر مزبور احضار [شد].<sup>۱</sup>

رژیم گاهی به خاطر ترس از آثار منفی دخالت مستقیم ساواک و شهربانی و ژاندارمری در محیط کارگری، از عوامل داخلی این گونه محیط‌ها می‌خواست که به موضوع رسیدگی کرده و گزارش آن را به مراکز فوق ارسال نمایند. از سوی دیگر هر فردی که دستگیر می‌شد و مورد بازجویی قرار می‌گرفت به خاطر ترس از عواقب سنگین آن خدمات سیاسی انجام داده خود را علیه رژیم، اندک و محدود اعلام می‌کرد. به همین سبب این کارگر نیز به نظر می‌رسد که تصاویر زیادی از امام بیش از آنچه گفته از تهران آورده و توزیع نموده است.<sup>۲</sup>

### مهرت ای قبله دل‌ها همه از جان بخرند

هنوز این ماجرا چند صباحی نگذشته بود که رژیم باخبر شد که عکس‌های بزرگ و زیبایی از امام در یکی از کتابفروشی‌های قائم‌شهر (شاهی سابق) توزیع می‌شود که متن زیر آن پوستر چنین می‌باشد:

مرجع تقلید عالم تشیع، یگانه پرچم‌دار رشید عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا روح‌الله الموسوی الخمینی متع الله المسلمین بطول بقاءه

نامت اندر همه عالم به نکویی ببرند

مهرت ای قبله دل‌ها همه از جان بخرند

حافظ دینی و الطاف خدا حافظ توست

شیعیان از دل و جان حکم تو را امر برند

پوستر فوق که خیلی مورد توجه و استقبال مردم مازندران قرار گرفته بود موجب عصبانیت مأموران رژیم شد. چنانکه شهربانی شاهی طی نامه‌ای در تاریخ ۴/۳/۴۳ خطاب به ریاست شهربانی مازندران در این باره نوشت:

موضوع: عکس آقای خمینی

۱. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد شهربانی، ج ۱، ص ۴۹۵.

۲. رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی، همان، ج ۲، ص ۴۹۱-۴۸۸.





محترماً به استحضار می‌رساند، آقای محمدی کتاب‌فروشی ساکن شاهی اخیراً تعدادی از عکس بزرگ آقای خمینی که او را مرجع تقلید تشیع معرفی می‌کند را آورده و به مبلغ پنج ریال به فروش می‌رساند با تقدیم یک قطعه عکس مشارالیه نسبت به فروش این قبیل عکس کسب دستور می‌نماید.

رئیس شهربانی شاهی سرگرد بزرگ‌نیا<sup>۱</sup>

علاوه بر ملاقات‌ها و دیدارهای مازندرانی‌ها با امام در قم، با وجود همه سختگیری‌های امنیتی و ممانعت‌های رژیم، مجالس جشن و شکرانه‌ای در مناطق مختلف استان مازندران از جمله شهرهای قائم‌شهر (شاهی سابق) و بابل برپا شد. آیت‌الله صبوری در روز سه‌شنبه اول اردیبهشت سال ۴۳ با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

بسمه‌تعالی

به مناسبت آزادی و خلاصی حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی و آیت‌الله قمی روز پنج‌شنبه مورخه ۴۳/۲/۳ از ساعت ۳ الی ۶ بعد از ظهر در مسجد حجتیه شاهی جشن باشکوهی منعقد، از تمام علاقمندان دعوت می‌شود در این جشن شرکت فرمایند.

الاحقر صبوری اردبیلی

اطلاعیه فوق که علاوه بر شاهی در شهرهای بابل، بابلسر و ساری نیز توزیع شده کار ارزشمندی بود که در آن شرایط خفقان‌آور در مورد آزادی امام انجام شد. شهربانی کشور در گزارش شماره ۴۵۷ مورخ ۴۳/۲/۵ خود در این بار چنین نوشته است:

طبق اطلاع واصله از ساری، روز ۴۳/۲/۳ از طرف شیخ صبوری اردبیلی امام جماعت مسجد حجتیه شاهی [به] وسیله آگهی از مردم ساری - شاهی - بابل و بابلسر به مناسبت آزادی آقای خمینی دعوتی به عمل آمده بوده که از ساعت ۱۵ الی ۱۸ روز مزبور در مسجد حجتیه حاضر شوند.

در ساعت مقرر جمعیتی در حدود ۵۰۰ نفر از اهالی فوق در مسجد مذکور اجتماع نموده و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و ترجمه نهج‌البلاغه توسط آقای خوشگو کارمند بانک، آقای سالکی واعظ ساکن بابل بیاناتی مبنی بر اهمیت روحانیت و هماهنگی روحانیون با دولت و

اظهار تأسف از توقیف آقای خمینی ایراد، و پس از تبلیغ مردم به اتحاد و اتفاق، و استدلال اینکه هر تحولی در کشور به علت تحریکات مردم یهود به خصوص انگلستان روی می دهد، از آزادی خمینی اظهار خوشوقتی نموده است.

ساواک مازندران نیز گزارش مختصر این مراسم را به تهران ارایه نمود.<sup>۱</sup> سپس ساواک تهران در تاریخ ۴۳/۲/۴ به آقای کنگرلو رئیس ساواک مازندران در خصوص این گونه اقدامات در منطقه دستور داد:

اشخاصی که مردم را در مجامع عمومی بر ضد امنیت کشور تحریک می نمایند و مخصوصاً اطرافیان

روحانیون که اخیراً دست به تحریکاتی می زنند با نظر استاندار بلافاصله دستگیر و به تهران اعزام دارید.<sup>۲</sup>

علاوه بر جشن مردم قائم شهر، آیت الله هادی روحانی نیز اطلاعیه ای به میمنت عید غدیر و آزادی حضرت امام و آیت الله قمی صادر کرد و از مردم خواست که از ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر روز جمعه ۱۱ اردیبهشت سال ۴۳ در مسجد چهارسر بابل حضور به هم رسانند که با استقبال خوب مردم مواجه شد.<sup>۳</sup>

جشن و شادمانی و دیدارهای مردم با امام، کم و بیش ادامه داشت و مبارزه علیه خاندان سلطنت از طریق اطلاعیه ها و محافل و سخنرانی های انقلابی گرمابخش تن و ذهن خسته مردم ستمدیده مازندران بود.

۱. «تاریخ: ۴۳/۲/۴ - شماره ۱۶۲ - از: ساری به: تهران»

شماره = پیروی: ۱۵۸ - ۴۳/۲/۳ - از ساعت ۱۵۰۰ الی ۱۸۰۰ روز ۴۳/۲/۳ مجلس جشنی به مناسبت آزادی آیت الله خمینی و آیت الله قمی در مسجد حجتیه شاهی با حضور عده ای در حدود پانصد نفر برگزار شد. ابتدا آیاتی چند از کلام الله مجید قرائت و سپس محمد سالکی واعظ به منبر رفته و در مورد اهمیت قرآن و عظمت دین اسلام و مقام روحانیت مخصوصاً در دین اسلام صحبت و مجلس در ساعت ۱۸۰۰ به پایان رسید. کنگرلو: سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۳، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. رحیم نیکبخت میر کوهی و مجتبی سلطانی، همان، ج ۲، ص ۴۹۹.

بدون شک زنده ماندن خاطره قیام ۱۵ خرداد یک اصل فراموش نشدنی و پایدار در تفکر انقلابیون مازندرانی بود که شاکله مبارزه را مبتنی بر آن می دانستند؛ به طوری که در شب ۱۶ فروردین سال ۱۳۵۳ اطلاعیه ای توسط «گروه خرداد خونین» در حوالی بازار شهرستان آمل توزیع شد که در آن حماسه دوم فروردین و ۱۵ خرداد سال ۴۲ و تبعید امام و ایجاد محدودیت در مورد روحانیت شرح داده شده بود







## استمرار مبارزات مازندرانی‌ها

هر روز که می‌گذشت شناخت و ارادت مردم به حاج آقا روح‌الله افزایش می‌یافت و رژیم از گسترش نفوذ امام وحشت داشت. تا اینکه ۷ ماه بعد به خاطر سخنرانی که امام علیه قانون کاپیتولاسیون کرد و آن را سند بردگی ملت ایران در مقابل امریکا خواند، توسط ساواک دستگیر و به دستور شاه در تاریخ ۱۳ آبان سال ۴۳ از ایران به ترکیه تبعید شد. و بار دیگر ابر ماتم بر فضای کشور و استان مازندران سایه افکند. اما جوانان طلبه مازندرانی در قم و نقاط دیگر حتی پس از تبعید امام تلاش زیادی جهت روشنگری مردم نسبت به حکومت پهلوی به عمل آوردند.

به طوری که سه نفر از فضایی مازندرانی حوزه علمیه قم بعد از تبعید امام تصمیم گرفتند که سه نفری به مازندران بروند و «مردم را در جریان دستگیری و تبعید امام» قرار دهند. زیرا به زعم آنها مازندرانی‌ها از این واقعه و اقدامات مراجع و اطلاعیه‌های آنها بی‌خبر بودند. این سه نفر بنا شد ۱. آیت‌الله فاضل استرآبادی به منطقه بهشهر، ۲. آیت‌الله شیخ هادی روحانی به منطقه بابل، و ۳. آیت‌الله شیخ عبدالله نظری به منطقه ساری بروند که قبل از عزیمت ابتدا به دیدار آیات سه‌گانه قم: گلپایگانی، مرعشی نجفی و شریعتمداری رفتند که آنها هم اقدام این فضلارا برای رفتن و آگاهی دادن به مردم تشویق نمودند. لذا به غیر از نفر اول که به خاطر مشکلاتی سفرش منتفی شد دو نفر دیگر رفتند و وظیفه خود را انجام دادند.<sup>۱</sup>

علاوه بر این گروهی از علما و طلاب انقلابی استان مازندران که مشغول تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم بودند، در تاریخ ۱۳۴۴/۱/۴ نامه‌ای به «امیرعباس هویدا»- نخست‌وزیر شاه- نوشتند و بار دیگر از مبارزات امام پشتیبانی نمودند:

بانهایت تأسف در زمان دولت‌های اخیر کشور ایران که مملکتی اسلامی و مهد تشیع و نقطه اتکا و امید شیعیان جهان محسوب می‌شود، یک سلسله اقدامات و طرح و تصویب قوانین خلاف شرع انور و متضاد با قانون اساسی به وقوع پیوست که جز جریحه‌دار کردن عواطف دینی و احساسات مذهبی مردم شیعه این مرز و بوم که اکثریت قریب به اتفاق را تشکیل می‌دهند و تولید شکاف زیان‌بخش بین دولت و ملت که حوادث گوناگون کشور سند زنده آن است، ثمره‌ای نداشت.

۱. محمدرضا احمدی، خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدفاضل استرآبادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰-۱۳۹.





با آنکه در بدو امر روحانیت و مراجع عالی مقام شیعه - دامت برکاتهم - که همواره در شئون و شرایط مختلف، در بحرانی‌ترین مراحل اجتماعی به شهادت تاریخ و مشاهدات ملت، دفاع از استقلال کشور نموده و برای حمایت از موجودیت و مجد ملت اسلام از هیچ گونه راهنمایی نافع و مصلحت‌آمیز دریغ نداشتند و بدین جهت مراتب خیر خواهی، استقلال طلبی و کشور دوستی ایشان در تواریخ اجتماعات و محاکم وجدان ثبت و ضبط است، مراجع دینی مخصوصاً زعمیم معظم مسلمین مرجع بزرگ تقلید شیعیان حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی - مدظله العالی - به فکر ارشاد و راهنمایی افتاده و به عنوان نصیحت و خیر خواهی آنچه لازمه گفتن و نوشتن بوده، تذکر داده‌اند، مع الوصف به جای تجدیدنظر در کارها و تعدیل، برخلاف انتظار ملت، حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی - دامت برکاتهم - را با داشتن مقام شامخ افتاء و مرجعیت تقلید که شرعاً مورد تکریم و لازم‌الاطاعه هست و با دارا بودن مصونیت قانونی که حق همه گونه بررسی و نقض و ابرام در مسائل روز و قوانین مصوبه از نظر اصول اساسی برایشان پیش‌بینی شده و قانوناً هیچ مقامی حق تعرض به معظم‌له را ندارد، از کشور ایران تبعید و بسیاری از ملت در زندان و عده زیادی در حصر و زجر و اهانت قرار گرفتند.

آقای هویدا! به منظور خاتمه دادن به این اوضاع آشفته و تحکیم اساس مملکت و پیروی از اصول مقدسه اسلام و رعایت قوانین اساسی لازم است، هر چه زودتر با الغای مصوبات خلاف شرع و قانون و ارجاع حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی - دام ظلله العالی - و آزاد کردن زندانیان بی‌گناه و بر طرف کردن اختناق و جبر و فشار، نواقص گذشته را جبران نمایند.<sup>۱</sup>

بی‌اعتنایی شاه و نخست‌وزیر و دولتش به درخواست‌های مردم مسلمان چنان در مردم اثر منفی گذاشت که عاقبت یکی از جوانان شجاع و متدین کشور که دوران سربازی را در کاخ مرمر می‌گذرانند، روز ۲۱ فروردین سال ۴۴ با شلیک رگبار مسلسل به سوی شاه، کاخ امن او را به لرزه درآورد تا درس عبرتی باشد برای جنایت‌های بی‌شمار شاه و دولتمردانش. گرچه شاه از این ترور جان سالم به در برد اما انتشار خبر آن - آن هم

۱. غلامرضا خار کوهی، استان گلستان در انقلاب اسلامی، تهران، عروج، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۴۵.

۵ ماه پس از تبعید امام - موجب خوشحالی مردم و روحانیت در استان مازندران و کل کشور شد. البته بعد از تبعید امام یکی از مهمترین موانع بر سر راه مبارزه، باند شریعتمداری بود که به عنوان حامی شاه، در مقابل قیام امام و یارانش سنگ اندازی زیادی می کردند. عوامل رژیم نیز سعی داشتند اختلاف بین یاران امام و طرفداران شریعتمداری را تبدیل به اختلاف بین ترک و فارس نمایند. به همین خاطر در مدرسه حجتیه به هر بهانه واهی طلاب طرفدار شریعتمداری با فارس ها درگیر می شدند و در آنجا سر و کله ها می شکست. حتی در مدرسه دارالشفا قم که اکثریت طلاب آن اهل شمال - مازندران و گیلان - بودند فارس ها با ترک های مدرسه درگیر شدند و شاخه های درخت ها را شکستند و به جان هم افتادند، که به

حتی با وجود مشقت مسافرت و مشکلات جاده و مسافت طولانی و عقب ماندگی وسایل حمل و نقل و کمبود ماشین آلات، به خاطر ارادت مازندرانی ها به امام تعداد زیادی از این استان به قم رفتند و ضمن ملاقات با امام خمینی، مقداری وجوهات شرعی نیز جهت مصارف حوزه های علمیه و تبلیغات مذهبی و پیشبرد مبارزه علیه حکومت پهلوی به او پرداخت نمودند که برخی از این مسافرت ها و ملاقات ها توسط جاسوسان ساواک و شهربانی گزارش شده است

این منظور دوستان نیمه شب تلاش زیادی کردند تا دعوی آنها را فیصله بدهند.<sup>۱</sup>

بدون شک زنده ماندن خاطره قیام ۱۵ خرداد یک اصل فراموش نشدنی و پایدار در تفکر انقلابیون مازندرانی بود که شاکله مبارزه را مبتنی بر آن می دانستند؛ به طوری که در شب ۱۶ فروردین سال ۱۳۵۳ اطلاعیه ای توسط «گروه خرداد خونین» در حوالی بازار شهرستان آمل توزیع شد که در آن حماسه دوم فروردین و ۱۵ خرداد سال ۴۲ و تبعید امام و ایجاد محدودیت در مورد روحانیت شرح داده شده بود.<sup>۲</sup> وقتی موعد قیام ۱۷ خرداد سال ۵۴ نیز رسید، برخی از طلاب مازندرانی همگام با روحانیان سایر استان ها در قم وارد گود شدند و با جان و دل، یاد و خاطره شهدای سال ۴۲ و امام عزیز را گرمی داشتند.<sup>۳</sup> شعارهای «درود بر خمینی»، «مرگ بر شاه مزدور» و «درود بر سعیدی ها»

۱. خاطرات سید علی اکبر محتشمی پور، همان، ص ۴۱۸.

۲. آرشیو بنیاد تاریخ پژوهی و مرکز دانشنامه انقلاب اسلامی.

۳. باز برابر گزارش مورخ ۵۴/۳/۱۷ شماره ۲۱/۳۱۰ هـ ساواک قم به ساواک تهران، ساعت ۱۱۴۵ روز جاری آقای ناصر مکارم شیرازی در مورد تظاهرات طلاب با آیت الله شریعتمداری مذاکره کرده و نظر او را در این مورد خواسته، ولی شریعتمداری از قیام ۱۷ خرداد طلاب علیه رژیم اظهار ناراضیاتی کرده است! مدرسه فیضیه پایگاه انقلاب اسلامی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴.



سه نفر از فضلالی مازندرانی حوزه علمیه قم بعد از تبعید امام تصمصیم گرفتند که سه نفری به مازندران بروند و «مردم را در جریان دستگیری و تبعید امام» قرار دهند. زیرا به زعم آنها مازندرانی‌ها از این واقعه و اقدامات مراجع و اطلاعیه‌های آنها بی‌خبر بودند. این سه نفر بنا شد ۱. آیت‌الله فاضل استرآبادی به منطقه بهشهر، ۲. آیت‌الله شیخ هادی روحانی به منطقه بابل، و ۳. آیت‌الله شیخ عبدالله نظری به منطقه ساری بروند

را فریاد زدند. <sup>۱</sup> حتی یکی از طلاب انقلاب پشت بلندگو خطاب به مأموران قم می‌گفت: «بپیوندید به مردم و از رژیم فاصله بگیرید. اقلأً از سروان احمدیان - رئیس زندان ساری یاد بگیرید که چگونه به صفوف مبارزین پیوست و عده‌ای از زندانیان را فراری داد.» <sup>۲</sup> به همین خاطر عده زیادی از آنها دستگیر شدند. پس از بازداشت و بازجویی چند مازندرانی، تازه ساواک دریافت که چه کسانی اطلاعیه‌های سیاسی مخالف شاه، مخصوصاً اعلامیه امام در مورد تحریم حزب رستاخیز را در استان مازندران توزیع نموده و شعارهایی نیز بر دیوارهای شهر شاهی (قائم‌شهر) نوشته‌اند.

در جریان این قیام حدود چهل نفر از طلاب انقلابی مازندران بازداشت شدند که برخی از آنها تا چند روز مانده به پیروزی انقلاب در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های

رژیم اسیر بودند. حجت‌الاسلام حسین غفاری یکی از طلاب مازندرانی (ساری) است که در جریان قیام ۱۷ خرداد سال ۵۴ در قم دستگیر و تا ۱۷ آبان سال ۵۷ در زندان‌های تهران و مشهد بود. همچنین حجت‌الاسلام محسن مقدسی یکی دیگر از طلاب مازندرانی (قائم‌شهر) است که در آن قیام بازداشت شد و به شش سال زندان محکوم گشت و شکنجه‌های زیادی را تحمل کرد. حجت‌الاسلام علیرضا قمی نیز از طلاب مازندرانی (نوشهر) بود که در همین واقعه دستگیر شد و مورد شکنجه ساواک قرار گرفت و تا سپیده دم پیروزی در اسارت رژیم به سر برد. <sup>۳</sup>

با وجود همه این خطرات، شکنجه‌ها، تبعیدها و سختی‌ها، روند مبارزه در استان مازندران همچنان استمرار یافت و تا شکوفایی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۵۷ هیچ گاه متوقف نشد.

۱. رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی، همان، ج ۲، ص ۵۰۳-۵۰۰.

۲. علی شیرخانی (به کوشش)، حماسه ۱۷ خرداد ۱۳۵۴، مدرسه فیضیه (خاطرات حجت‌الاسلام باقر صدر)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۷۳.

۳. همان.